کار - نان - آزادی
حکومت شورائی

کار

سازمان فدائیان (اقلیت)

کارگران سراسرجهان
متحد شوید!

سال بیستم _ بهمن ۷۷

شماره ۳۲۲

کجاست نقطه پایان
کشتار و ترور و اختناق ؟

اعتراف وزارت اطلاعات رژیم به دست داشتن در آدم ربائی ها وقتلهای فجیع اخیر ، البته تحت فشار مردمی که صدای اعتراضشان را بلند کرده بودند و نیز تحت فشارجناح رئیس جمهور که اونیز به نوعی از پائین تحت فشار بوده است، تقویت جناح خاتمی را در پی داشت . اما تقویت موقتی جناح خاتمی ، یگانه نتیجه این اعتراف نبود . نتیجه این اعتراف وارد آمدن لطمه شدید به دستگاه امنیتی، تضعیف آن و تضعیف روحیه نیروها و مامورین امنیتی رژیم هم بود. موضوعی که درارتباط وتکمیل سایر عوامل، بربی ثباتی نظام حاکم دامن میزد. نه جناح خاتمی و بطریق اولی نه جناح خامنه ای هیچ کدام خواهان تضعیف دستگاه امنیتی و سرخوردگی نیروهای‌آن نبوده و نیستند. گرچه خاتمی حتما می خواهد از نفوذ جناح مقابل در این دستگاه بکاهد و مواضع جناح خودرا درآن تقویت کند، اما تحت هیچ عنوانی خواهان تضعیف دستگاه امنیتی و وزارت اطلاعات نیست.

وقتی که وزارت اطلاعات اقدامات مامورین خود را جنایتکارانه خواند و بدین نحوآشکارا، گیجی، یاس و سرخوردگی شدیدی را در میان نیروهای خویش دامن زد، حواس آقای خاتمی این مهره خوش خط و خال جمهوری اسلامی، آنقدر ها جمع بود که فورا به داد این دستگاه برسد و با ارسال پیام "دلگرم " کننده خود ، در صدد دلداری از " سربازان گمنام امام زمان" برآید . خاتمی در پیام خود ، ضمن تجلیل از این "فرزندان گرانقدر اسلام" و "حافظان بی توقع انقلاب" ! به آنان هشدار داد که مبادا در خود "احساس فتور" کنند. او گفت که "بد خواهان"، خواهان یک " وزارت اطلاعات ضعیف هستند ، حال آنکه " اطلاعات زنده و بیداراست "! یک روز بعد ، خامنه‌ای هم در نماز جمعه تهران، هوشیاری وتلاش خاتمی را در جلو گیری‌از تضعیف دستگاه اطلاعاتی و دلگرم کردن سربازان گمنام امام زمان، ستود. خامنه‌ای که قبلا با اصرارزیادی گفته بوداین قتلها کار اجنبی است و از خارج هدایت و برنامه ریزی شده است ، اکنون که وزارت اطلاعات، خود به این قتلها اعتراف کرده بود، بکلی‌دراین مورد خاموشی گزید و از کنار این قضیه رد شد! انگارنه انگارکه ایشان قبلا فرمایشاتی کرده بودند! عقل خامنه ای

صفحه ۲

تسلیمه نسرین سخن می گوید

← ۱۳

بمناسبت سالروز قیام وسیاهکل

راهی جز قیام و انقلاب باقی نمانده است

← ۳

درس های انقلاب

در حالی که ضد انقلاب اسلامی بیستمین سالگرد پیروزی‌اش را برانقلاب توده‌ای ۱۳۵۷ جشن گرفته وسران حکومت ارتجاع اسلامی می کوشند خود را به ادامه حیات رژیم جمهوری اسلامی‌امیدوارسازند، طلیعه های یک بحران ژرف، همانند بحرانی که در اواسط دهه پنجاه پدید آمد و به انقلاب و سرنگونی رژیم شاه انجامید، از هم اکنون ظاهر شده است. تضادهای جامعه به درجه انفجار آمیزی تشدید شده اند. انعکاس انفجار این تضادها را بوضوح میتوان در بحران‌اقتصادی ژرف کنونی، دربحران سیاسی که به شکافی عمیق درمیان هیئت حاکمه و دستگاه دولتی انجامیده است ، در رشد روز افزون نا رضایتی و اعتراض توده ای ، گسترش اعتصابات ، راهپیمائی های اعتراضی و تظاهرات کارگران ، رشد و گسترش اعتراضات و مبارزات علنی روشنفکران، ازجمله نویسندگان‌ودانشجویان، مشاهده کرد . تمام واقعیات حاکی است که با

صفحه ٤

کارگران خواستار افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم اند!

حدت بحران‌اقتصادی و ورشکستگی مالی، حکومت اسلامی را به بن بستی بی علاج و آستانه از هم گسیختگی کشانده‌است. تمامی شگردها وسیاستهای جمهوری اسلامی برای برون رفت از این بحران و ورشکستگی ، بی نتیجه مانده است. قیمت کالاها و مایحتاج عمومی هم چنان در حال افزایش است . سیاستهای کنونی رژیم نیز مثل گذشته ، تماما بر پایه تشدید فشار بر کارگران استوار است . در حالیکه افزایش مدام و روز افزون قیمت ها و رشد فزاینده نرخ تورم شرایط زندگی مادی کارگران را به غایت دشوار و وخامت بار ساخته است و سطح معیشت‌آنها را بنحو فاجعه باری کاهش داده است ، در حالیکه کارگران و زحمتکشان و اعضاِ خانواده آنها فقر و گرسنگی فزون‌از حدی را متحمل شده‌اند، اما سرمایه داران و دولت اسلامی آنها دست از سر کارگران بر نمیدارند و راه برون رفت از تنگناهای مالی و اقتصادی موجود را در انداختن تمام بار

صفحه ۷

در این شماره

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳٦)	صفحه ۵
اعتراض به دیدار کمال خرازی از فرانسه	صفحه ۱۰
تحصن و تظاهرات گسترده ضد رژیم در سوئد	صفحه ۱۰
یادداشتهای سیاسی	صفحه ۱٦
اخباری از ایران	صفحه ۹
اخبار کارگری جهان	صفحه ۱۱
اطلاعیه هاو پیام ها	٤و ۸ و ۱۰ و ۱۵
گزیده ای از نامه های رسیده	صفحه ۸

www.iran-archive.com

کجاست نقطه پایان کشتار و ترور و اختناق ؟

تنها به این رسید که این بار" شجاعت " وزارت اطلاعات را در اعتراف به قتل ها "تحسین " کند ! نه فقط " شجاعت " وزارتخانه ای را که زیر نظر خود اوست تحسین نمود ، بلکه از شخص وزیر اطلاعات که اکنون جناح خاتمی در صدد خلع وی برآمده بود نیز دفاع کرد. بهر رو وزارت اطلاعات که "چشم نظام" بود، بایستی محافظت می شد و مسئولین نظام از رهبر گرفته تا رئیس جمهور، از هیچ کوششی در این زمینه دریغ نداشتند. با این همه، نتیجه اعترافات وزارت اطلاعات آشکارا به زیان جناح خامنه ای بود ، اما خاتمی " نتیجه " ماجرای قتل ها را " شیرین " توصیف کرد و بلافاصله با تعیین هیئتی برای تحقیق ، توانست جناح مقابل را موقتا تحت فشار قرار دهد. درست است که جناح خامنه ای عجالتا حاضر شده بود امتیازی بدهد و یکی دو مهره دست چندم وزارت اطلاعات را قربانی کند تا جو متشنج و اعتراضی موجودرا فرونشاند ، اما بدین منظور، حاضر نبود هزینه زیادی بپردازد بنحوی که عناصرومهره های اصلی وزارتش زیر ضرب بروند. خاتمی اما تحت شرایط حاصله، ازیک سو میخواست از طرف مقابل امتیاز بگیرد، ازسوی دیگراما میخواست جو جامعه و افکار عمومی را که به شدت متشنج شده بود و کنجکاوانه قضیه را پی گیری میکرد ، آرام سازد . اولین اطلاعیه کمیته تحقیق آقای رئیس جمهور به همین منظور انتشار یافت . این اطلاعیه که خبر از " بازداشت وبازجوئی چند تن از عناصر موثر در سطح اول عملیاتی" و نیز از اطلاعات فراوانی که در موردآنها بدست آمده است، خبر میداد، در عین حال به تمامی مردم چنین "اطمینان" میداد که روند تحقیق را بدون هیچگونه اغماضی ادامه دهد.

هنوز پای کمیته تحقیقآقای رئیس جمهور در وزارت اطلاعات بازنشده بود که جناح خامنه‌ای با یک حمله، ابتدا جلو پیشروی طرفداران رئیس جمهوررا مسدود ساخت وسپس آنها را به عقب نشاند. درست زمانی که انگشت اتهام متوجه وزیر اطلاعات و همکاران نزدیک وی بود و جناح خامنه ای تحت فشار قرار گرفته بود که با او تعیین تکلیف کند، "چراغ"(۱) ی در تلویزیون روشن شد که آتش اختلافات را شعله ورتر ساخت . فردی بنام حسینیان که رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی‌است و یکی از مقامات قضائی رژیم هم هست و در دادگاه ویژه روحانیت هم مسئولیت هائی دارد ، در یک مصاحبه تلویزیونی که متن آن همان روز در کیهان هم بچاپ رسیده بود ، نه فقط مقتولین را "مرتد" ، "ضدانقلاب" و " مهدورالدم " خواند ، که همه این ها بمعنای آن بود که فتوای قتل آنها قبلا توسط یک کارشناس مذهبی درجه اول صادر شده است، بلکه مسئولیت قتلها را هم تماما به گردن رئیس جمهوروطرفداران وی انداخت . حتی از جانب افراد وابسته به جناح خامنه‌ای چنین مطرح گردید که قتلها توسط معاون وزیر اطلاعات که از سوی خاتمی و جناح او به این وزارت خانه تحمیل شده ، سازماندهی شده است که او نیز شخصا و بدون مشورت و اطلاع شخص وزیر دست به چنین اعمالی زده است!

این حمله اگرچه اعتراض شدید طرفداران خاتمی را برانگیخت اما در عقب راندن جناح اخیر، موثر افتاد و درهرحال برکشمکش میان جناح ها دامن زد. در همان حال که جنتی عضو فقهای شورای نگهبان به همراه چند تن دیگر راهی قم بود تا نظر"علما" را در عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور جلب کند و در حالی که اطلاعیه ها و شبنامه هائی دائر بر عدم کفایت رئیس جمهور و ضرورت بر کناری وی بردر و دیوار خیابان های تهران چسبانده می شد ، بسیاری از طرفداران خاتمی با تجمع در دانشگاه تهران ، خواستار عزل وزیر اطلاعات و استعفا لاریجانی رئیس صدا و سیما شدند . این تجمع ، گرچه با پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی هوائی خاتمه یافت، اما بمعنی ختم اعتراضات جنا خاتمی نبود . حزب همبستگی ایران اسلامی ، مجمع روحانیون مبارز ، مجمع حزب الله مجلس و سایر تشکلها و ارگانهای طرفدار خاتمی، پخش این برنامه را "هتک حرمت" رئیس جمهور خوانده وآنرا محکوم کردند و حتی در نامه‌ای به خامنه‌ای خواستار اصلاح صدا و سیما شدند!

بدین ترتیب هنوز عملکرد ونتیجه کار کمیته تحقیق آقای خاتمی معلوم نشده بود که رئیس جمهور را نیاز به ایجادکمیته دیگری افتادو این بارکمیته ویژه متشکل از چند تن از اعضاِ هیئت دولت ، مسئول بررسی نحوه تهیه این برنامه تلویزیونی شد . در پاسخ به حرکت جدید رئیس جمهور، اما ۱۲۲ تن از نمایندگان مجلس از برنامه " چراغ " دفاع کرده و تعیین کمیته ویژه را، تلاشی‌درراستای فرمانبرداری صدا وسیما از قوه مجریه دانستند.

دربحبوحه این کشمکشهاست که کارشناس ورئیس تشخیص مصلحت نظام ، هاشمی رفسنجانی به میانجیگری میپردازد واز جناحهای درگیر میخواهد تا فتیله این بحث ها را پائین بکشند . رفسنجانی وقتی که دید مسئولین نظام مسئولیت قتلها را به گردن یکدیگر می اندازند، خطاب به آنان گفت که بیش از این بجان هم نیفتند چرا که "دراین متهم سازیها همه ضررخواهند دید"! بدنبال‌این قضایا بود که کمیته تحقیق رئیس جمهوردردومین‌اطلاعیه خود، از"محفلی " و غیر سازماندهی بودن قتل ها صحبت کرد. نتیجه " تحقیقات عمیق " کمیته رئیس جمهور، درواقع امر، هم خارج کردن دستگاه امنیتی و اطلاعاتی و مهره های اصلی آن از زیر ضرب بود و هم سازش و عقب نشینی جناح خاتمی . سه روز بعد از آن نیز کمیته ویژه ایشان برای بررسی برنامه تلویزیونی "چراغ"، لاریجانی، رئیس صدا و سیما را از هرگونه مسئولیتی مبرا ساخت !

جنجال برسر قتل ها و جنایات اخیر کاهش یافت ، بی آنکه بالاخره به مردم گفته شود چه کسانی ، چرا ، چگونه و به فرمان چه کسی این جنایات را سازمان داده اند . در عوض تمام هم جناح های حکومتی ، بعد از چند ماه جنجال و بحث برسر ترورها، مصروف پنهان نگاهداشتن حقایق ازچشم مردم شد . " اطمینان " دادن آقای خاتمی هم طبق معمول حرفی توخالی بیش نبود و این ها همه در حالی است که جوخه های مرگ رژیم ، بعد از قتل فروهرها ، مختاری و پوینده نیز همچنان فعال بوده‌اند و بسیاری‌از نویسندگان، روزنامه نگاران وفعالین سیاسی رانیزعلنا به مرگ تهدید کرده‌اند!

این موضوع بار دیگر این حقیقت را که مکرر در مکرر ثابت شده بود به اثبات رساند که از دید تمام جناح ها برغم همه اختلافاتشان ، حفظ نظام درراس ودراولویت است. منازعات حکومتی تشدید یا تضعیف شود ، توازن قوا به نفع این یا آن جناح بهم بخورد ، فرقی دراساس قضیه نمیکند. همه آنان توجیه گران قتل ها وجنایات حکومت اسلامی اند و مستقیم وغیر مستقیم در آن مشارکت دارند و اگر هم اعتراض یا اختلافی دارند، اعتراض و اختلافشان نه از زاویه منافع این یا آن قشر مردم، که صرفا از موضع منافع خاص خویش بدین کار دست می زنند. نمونه‌اعتراض مجمع روحانیون یک نمونه، اما نمونه بسیار گویائی‌است. وقتیکه به کوشش جناح خامنه‌ای، آقای بیات عضو شورای‌مرکزی مجمع روحانیون‌دستگیر وتوسط دادگاه ویژه روحانیت به محاکمه کشیده شد و بعد هم صدا وسیما خبر آن را پخش کرد ، مجمع روحانیون در نامه ای اعتراضی به یزدی رئیس قوه قضائیه ، از این که موضوع محاکمه یک روحانی از دادگاه ویژه روحانیت به بیرون درز کرده است و حرمت روحانیت حفظ نشده است بهابرازنارضایتی پرداخت. اعتراض و شکایت مجمع روحانیون به این بود که چرا "حرمت وحیثیت سلسله جلیله روحانیت اسلام" حفظ نشده است!!

بنابراین مسئله کاملا روشن‌است که جدال جناح ها پیرامون ترورهای‌اخیر، کشمکشی‌است برسر منافع و برسر قدرت ، نه برای کشف و بیان حقایق. کارد دسته خودش را نمی برد آنها هیچگاه حقایق مربوط به ترورها و آدم کشی ها رابه مردم نخواهند گفت. خاتمی یاخامنه‌ای، نه به مردم که به حفظ نظام، آرام سازی وانحراف مبارزه مردم فکر میکنند. البته کسی ازمردم پیدا نمیشود که حقایق مربوط به این جنایتها را نداند. مردم رژیم جنایتکاروضد بشری جمهوری اسلامی را شناخته اند. مردم نه امروز، که درهمان لحظه اول وقوع این قتل ها قضاوت خود را کردند. مردم دو دهه است که دارند حکومت اسلامی را تجربه میکنند ومیدانند که تا این رژیم ارتجاعی بر سرکار هست، تروروسرکوب‌انقلابیون، نویسندگان، روزنامه نگاران ، آزادیخواهان و فعالین‌سیاسی هم هست ، تا این نظام استبدادی برسر کار است، کشتار و اختناق هم هست .درهمان حال که دعوا و کشمکش جناح ها هم هست، دروغ و شانتاژ و مخفی ساختن حقایق از چشم مردم هم هست!

این مردم اما با تشدید و گسترش مبارزه خود علیه رژیم ، رژیمی که به نقطه پایان خود نزدیک میشود و برچیدن نظام حاکم است که برصفحه کشتار وترور و اختناق ، نقطه پایان خواهند گذاشت .

زیرنویس:

۱_ دوشنبه ۱۲ دیماه، برنامه ای بنام "چراغ" از شبکه اول تلویزیون پخش شد.

جدائی دین از دولت ، جزئی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی

www.iran-archive.com

بمناسبت سالروز قیام وسیاهکل

راهی جز قیام و انقلاب باقی نمانده است

کارگران ! زحمتکشان ! روشنفکران انقلابی !

با فرارسیدن ۱۹ بهمن، سازمان ما ۲۸ سال حیات سیاسی پر افتخار خود را که آکنده از مبارزه و حماسه آفرینی فدائیان از سیاهکل تا به امروز، به خاطر سوسیالیسم و آزادی است، پشت سر می گذارد و بیست و نهمین سال فعالیت سیاسی خود را آغاز می کند.

این پایداری و تداوم حیات سیاسی سازمان ما، برغم تمام سرکوبها و کشتار فدائیان توسط رژیم سلطنتی محمدرضا شاه و رژیم جمهوری اسلامی، ماحصل پیگیری در مبارزه علیه رژیم های ارتجاعی حاکم بر ایران و دفاع خستگی ناپذیر از سوسیالیسم و آرمانهای آزادی خواهانه عموم توده های مردم است. موجودیت سازمان ما از همان هنگام که در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، صفیر رگبار مسلسل چریکهای فدایی خلق در سیاهکل، جزیره ثبات و آرامش، رژیم شاه را متلاطم ساخت با مبارزه ای آشتی ناپذیر علیه نظم موجود، گذاشته شد. برغم اینکه رژیم شاه صدها تن از فدائیان را به جوخه اعدام سپرد و هزاران تن را در سیاهچالهای قرون وسطایی خود به بند کشید، این مبارزه همچنان پیگیرانه ادامه یافت. در تداوم این مبارزه است که توده های مردم ایران به مبارزه ای علنی و مستقیم برای برانداختن رژیم سلطنتی روی آوردند، به انقلاب متوسل شدند و با قیام مسلحانه ۲۲ بهمن، رژیم شاه را سرنگون کردند. اما برغم اینکه رژیم شاه سرنگون شد، آمال وآرزوها و خواستهای مردم از انقلاب تحقق نیافت. علت آن نیز در این بود که بار دیگر مرتجعین دشمن انقلاب و توده های مردم ایران، قدرت را از چنگ مردم بیرون آوردند. کارگران و زحمتکشان ایران در نتیجه سالها اختناق و سرکوب ، امکان نیافته بودند که به قدر کافی آگاه و متشکل شوند و با سرنگونی رژیم قدرت سیاسی را بدست بگیرند و مطالبات و آرمانهای انقلابی خود را متحقق سازند. این ضعف تشکل و آگاهی توده ها، زودباوری و اعتماد ناشی از ناآگاهی را در پی داشت. از این روست که توده مردم به مرتجعی به نام خمینی اعتماد کردند و بدینطریق ارتجاع مذهبی و طبقاتی امکان یافت که خود را در راس جنبش قرار دهد و با سرنگونی رژیم شاه، قدرت سیاسی را بدست بگیرد. این قدرت ارتجاعی به محض استقرار، سرکوب انقلاب و توده های مردم ایران را آغاز نمود. با اعدام ، کشتار، زندان و سرکوبهای قهرآمیز دیگر، دست آوردهای انقلابی مردم را از آنها باز پس گرفت و مجددا رژیم ترور و اختناق را برقرار نمود . معهذا برغم تمام وحشی گریهائی که این رژیم در ۲۰ سال گذشته داشته است، از جمله سرکوب جنبشهای اعتراضی کارگران و زحمتکشان، کشتار دهها هزارتن از مردم ایران، اختناق هولناک و سلب ابتدائی ترین آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم سرکوب زنان و محروم ساختن آنها از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود، و دهها و صدها وحشی گری و جنایت دیگر که تازه ترین نمونه آن ترور بیرحمانه مخالفین سیاسی و نویسندگان آزادی خواه بوده است، نتوانسته مردم را از ادامه مبارزه برای تحقق خواستهای خود باز دارد و پایه های قدرت جابرانه خود را مستحکم سازد، بلکه بلعکس بیش از پیش در یک بحران عمیق و همه جانبه فرورفته است .

در نتیجه سیاستهای ارتجاعی حکومت اسلامی، بحران اقتصادی، ابعاد کم نظیری به خود گرفته و شرایط مادی و معیشتی توده های مردم به نحو بی سابقه ای وخیم شده است . افزایش روزافزون بهای کالاها، کاهش روزافزون دستمزد واقعی کارگران و حقوق بگیران رده های پایین، بیکاری میلیونها تن از کارگران و جوانان، فقر و گرسنگی، زندگی را بر میلیونها تن از توده های زحمتکش مردم دشوار و غیرقابل تحمل نموده است. این اوضاع اسفبار منجر به تشدید اعتراض و مبارزه کارگران و زحمتکشان علیه رژیم شده است . در عین حال اختناق و سرکوب و بی حقوقی عموم توده های مردم ، به تشدید مبارزه برای کسب آزادی و حقوق دمکراتیک، انجامیده است . اکنون دیگر بر همگان واضح است که جمهوری اسلامی رسالتی جز تشدید وخامت شرایط مادی و معیشتی مردم و به بندکشیدن آنها نداشته و ندارد وتنها راه نجات، برانداختن آن است . درحالیکه مبارزه مردم روزبروز رشد و اعتلاء می یابد تضادهای درونی هیئت حاکمه نیز تشدید می شوند و کشمکشهای های درونی مرتجعین ضعف و ورشکستگی رژیم را بیشتر بر ملا میسازد .

تمام این واقعیتها نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی به واپسین روزهای حیات ننگین خود نزدیک شده و مردم ایران آماده میشوند که این رژیم ستمگر را نیز همانند رژیم شاه به زباله دانی تاریخ بسپارند .

کارگران و زحمتکشان ! روشنفکران انقلابی !

تنها راه نجات از شر فجایعی که رژیم جمهوری اسلامی به بارآورده ، تشدید مبارزه و تسریع سرنگونی آن است . تجربه مبارزات در دوران مبارزه علیه رژیم سلطنتی نشان داد که موثرترین و قطعی ترین راه مبارزه برای سرنگونی رژیم، توسل به اعتصابات عمومی سیاسی و قیام مسلحانه است . رژیم جمهوری اسلامی را تنها در جریان یک اعتصاب عمومی سیاسی و تظاهرات توده ای که به قیام مسلحانه بیانجامد، میتوان برانداخت . اما بخاطر داشته باشید که تنها سرنگونی رژیم کافی نیست. نباید اجازه داد که فاجعه انقلاب شکست خورده گذشته تکرار شود و یکبار دیگر مرتجعین، انقلاب را به شکست بکشانند . کارگران و زحمتکشان به هیچ وجه نباید به طبقات و اقشار غیر کارگر اعتماد کنند و وعده و وعیدهای آنها را باور نمایند. کارگران و زحمتکشان خود باید قدرت سیاسی را بدست بگیرند و با استقرار یک حکومت شورائی، انقلاب را به فرجام پیروزمندش برسانند.

سازمان فدائیان (اقلیت) که مدافع منافع طبقه کارگر و از موضع این طبقه مدافع منافع عموم توده های زحمتکش و ستمدیده است، هدف فوری خود را سرنگونی جمهوری اسلامی، برقراری حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان و تحقق همه جانبه خواستهای دمکراتیک - انقلابی، رفاهی و آزادیخواهانه مردم قرارداده است . سازمان فدائیان (اقلیت) در سالروز سیاهکل و سالروز قیام مسلحانه ۲۲ بهمن یکبار دیگر بر عزم استوار خود در مبارزه برای سوسیالیسم و آزادی پای می فشارد و کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی را به تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان فرامیخواند .

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان
زنده باد سوسیالیسم
سازمان فداییان (اقلیت)
بهمن ماه ۱۳۷۷

کار - نان -آزادی - حکومت شورائی

www.iran-archive.com

درس های انقلاب

تعمیق این بحران‌همه جانبه، یکبار دیگر توده مردم به پا می خیزند تا با قدرت لایزال و ابتکار انقلابی خود مرتجعین را از اریکه قدرت به زیر کشند و وظائف معوقه انقلاب را بمرحله عمل واجرا بگذارند. با این چشم انداز ضروریست که در آستانه قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ، روند تحول انقلابی که به قیام ۲۲ بهمن انجامید، دست‌آوردها وعلت شکست انقلاب مرورشود و بازهم بر درسهای‌این انقلاب تاکید کنیم.

انقلابی که به قیام و سرنگونی رژیم سلطنتی‌انجامید، از درون یک بحران اقتصادی و سیاسی سر برآورد که ازحوالی سال ۵۵ آغاز گردید و شورش تهیدستان حاشیه نشین شهرتهران را بهمراه داشت. از آنجائی که این بحران ماحصل انفجار تضادهای لاینحل و انباشته شده جامعه ایران بود که در چارچوب نظم موجود راه حلی پیدا نمی کرد ، به زودی خود را در هیئت یک بحران سیاسی ژرف ، یک بحران انقلابی نمودار ساخت . توده مردمی که در دوران سکون و آرامش، بی حقوقی واختناق، فقر و بدبختی را تحمل کرده بودند ، آرام آرام بپا می خاستند . با رشد و گسترش بحران ، اعتراضات شکلی علنی بخود می گرفت و در سال ۵۶ در برخی شهرها، جنبش های اعتراضی به شکل قیامهای محلی ظهور کرد. رژیم شاه که درآغاز هنوزبه خصلت این بحران پی نبرده بود، کوشید که با تاکتیک قهروسرکوب، این جنبشها را مهار کند. اما سرکوب به هنگامی که بحران‌انقلابی آغاز شده بود نتایجی معکوس ببارآورد. اعتراضات و مبارزات علنی تداوم و گسترش یافت . جنبش اعتراضی علنی پایتخت رژیم شاه را فرا گرفت. اما رژیم شاه هنوز هم در این پندار بسر میبرد که با سرکوب قهری وخونین میتواند جنبش را مهار کند. لذا دست به کشتار وحشیانه مردم تهران در ۱۷ شهریور زد . این کشتار ، نفرت مردم را از رژیم صد چندان کرد و منجربه اعتلاِ جنبش به مرحله ای عالی تر یعنی موقعیت انقلابی گردید . جنبش علنی اعتراضی سراسر ایران را فرا گرفت . کارگران که در آغاز با طرح مطالبات اقتصادی و صنفی، جنبش اعتصابی خود را آغاز کرده بودند، در مدتی کوتاه با مطالبات اقتصادی و سیاسی پیش آمدند. با ورود طبقه کارگر به عرصه مبارزه علنی علیه رژیم شاه، تحولی کیفی دراشکال مبارزات توده ای انجام گرفت. اعتصاب عمومی سیاسی که بار اصلی آن بردوش طبقه کارگرایران بود، ضربه ای سهمگین بر رژیم شاه وارد آورد. تظاهرات و راهپیمائی با اعتصاب عمومی سیاسی تلفیق شد. در جریان این مبارزه ، توده مردم که ابتکار عمل را به دست گرفته بودند، آزادی را با نبرد بدست‌آورده بودند و تمام قوانین توده‌ای، و مقررات ارتجاعی رژیم شاه را زیر پا گذاشته بودند. هیئت حاکمه که درجریان‌این مبارزه از درون با تضاد ها و شکاف های عمیقی روبرو شده بود، کوشید تاکتیک لیبرالی باصطلاح رفرم را همراه با تاکتیک سرکوب بکار گیرد تا از این طریق جنبش را مهار کند ، صدای انقلاب را شنید و وعده آزادی داد ، اما توده هائی که زنجیرهای اسارت را به دور انداخته و با مبارزه و ابتکار انقلابی خود آزادی را بدست آورده بودند، مصممانه به پیش می رفتند. مردم ایران در جریان انقلاب خود این حقیقت مسلم را بار دیگر به اثبات رساندند که آزادی را تنها با نبرد ، با تظاهرات ، با اعتصاب و با جنگ خیابانی با مرتجعین میتوان بدست‌آورد. مرتجعین خودکامه با آزادی مردم دشمنی دارندوتنها هنگامی که با طوفان جنبش انقلابی مردم روبرو میشوند می کوشند با وعده آزادی‌وقبول ظاهری‌آن مردم را فریب دهند وآرام کنند تا دوباره سر فرصت این آزادی را ازآنها بازپس گیرند. لذا با تجربه‌ای که مردم ایران از گذشته داشتند، بدیهی بود که دیگر فریب وعده های آزادیخواهانه شاه مستبد و مرتجع را نخورند.

دست آورد دیگری که توده مردم ایران تا این مقطع داشتند، درک اهمیت ونقش اعتصاب عمومی سیاسی بود. وقتی که میلیونها کارگر درسراسرایران بخاطر مطالبات اقتصادی و سیاسی خود و در راستای سرنگونی رژیم شاه ، چرخ تولید را متوقف ساختند، کارگران نفت منبع تغذیه مالی و دستگاه دولتی را قطع کردند و کارمندان موسسات نیز به اعتصاب عمومی سیاسی پیوستند ، رژیم شاه عملا فلج شد . نیروی نظامی‌وسرکوب دیگرنمیتوانست با میلیونها تن که به اعتصاب عمومی سیاسی پیوسته بودند مقابله کند. کارآئی‌اعتصاب عمومی سیاسی هنگامی بیشتر شد که با راهپیمائی و تظاهرات میلیونی تلفیق گردید. مردم عملا زمام امور را بدست گرفته بودند و کمیته های اعتصاب و کمیته های محلات به رتق وفتق امور پرداخته و تصمیم می گرفتند . با این همه ، مردم از روی تجربه شکستهای گذشته خود میدانستند که اگر ضربه قطعی را به رژیم شاه وارد نیاورند و آن را سرنگون نکنند، دراولین فرصت با نیروی مسلح وسرکوبش بر اوضاع مسلط خواهد شد. مردم خواستار مسلح شدن و قیام مسلحانه برای بر افکندن نظام سلطنتی بودند ، اما مرتجعینی که خود رادر رهبری جنبش تحمیل کرده بودند، می خواستند، دستگاه دولتی دست نخورده به آنها منتقل گردد تا راحت تر بتوانند از پس سرکوب انقلاب برآیند ، با این همه، جرقه ای کافی بود تا مردم به قیام مسلحانه برخیزند . در جریان انقلاب ، سربازان و بخشی از درجه داران و افسران رده های پائین نیروهای مسلح رژیم شاه به مردم پیوسته بودند، نیروی گارد وفادار به شاه برای سرکوب همافران شورشی دست به عمل نظامی زد وهمین کافی بود تا مردم، تمام شهر تهران را سنگر بندی کنند، به پادگانها و مراکز پلیس یورش برند و مسلح شوند وبساط رژیم شاه را جاروب کنند. قدرت این جنبش توده ای که با تظاهرات میلیونی ، سنگر بندیهای خیابانی ، اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه رژیم سلطنتی را به گور سپرده بود، چنان عظیم بود که برغم این که ضد انقلاب ، قدرت سیاسی را به دست آورده بود ومردم از روی نا آگاهی و توهم به خمینی اعتماد کرده بودند ، به

۱۰

اطلاعیه

راهپیمائی و گردهم آئی

صدها تن از کارگران کارخانه نخ کار

کارگران کارخانه نخ کار در ادامه اعتراضات چندماه گذشته خود، روز دوشنبه، با راهپیمائی و تجمع در برابر وزارت کار، خواهان پرداخت حقوق معوقه کارگران و راه اندازی مجدد این واحد تولیدی شدند.

کارفرمای کارخانه پارچه بافی نخ کار واقع در جاده قدیم کرج، چندین ماه است که فعالیت تولیدی را دراین کارخانه متوقف ساخته و از پرداخت دستمزد کارگران نیز سرباز زده است. دراعتراض به این اقدامات ارتجاعی کارفرما، حدود ۵۰۰ تن از پرسنل این کارخانه روز سوم خرداد سال جاری با یک تجمع اعتراضی در برابر کارخانه، خواستارپرداخت ۴ ماه حقوق معوقه و راه‌اندازی مجدد کارخانه شدند. دولت از کارگران خواست که به اعتراض خود پایان دهندو وعده داد که بزودی خواستهای آنها را عملی خواهد ساخت. اما چند ماه دیگر نیز گذشت و وعده دولت عملی نشد، لذا روز گذشته کارگران با راهپیمائی و تجمع اعتراضی مجدد، خواستار تحقق فوری مطالبات خود شدند. مسئولین وزارت کار این بار نیز با این ادعا که کمیسیونی با شرکت وزارت کار و صنایع مامور رسیدگی به مسئله است، به کارگران وعده دادند که در آینده نزدیک خواست های آنهاعملی خواهد شد.

در یک ماه اخیر اعتراضات وسیعی از جانب کارگران کارخانه‌ها و موسسات مختلف به عدم پرداخت دستمزد و حقوق کارگران، تعطیل کارخانه‌ها از سوی کارفرمایان، سطح نازل دستمزدکارگران و مطالبات دیگر صورت گرفته که از آن جمله میتوان به اعتصاب و تظاهرات کارگران جهان چیت کرج، کارخانه پرسان رشت، شرکت آرامش، کارخانه چرم آذر از مجموعه کارخانه‌های کفش ملی و جنبش اعتراضی کارگران کاشان اشاره کرد.کارگران در کارخانه‌ها و موسسات مختلف به شدت تحت فشار و استثمار قرار گرفته‌اند. سرمایه‌داران و دولت آنها می‌کوشند، فشار بار بحران اقتصادی را بردوش کارگران بیاندازند. لذا در بسیاری از موسسات ماههاست که دستمزد کارگران پرداخت نشده است. سرمایه‌داران با تعطیل کارخانه‌ها وبهانه تراشی‌های مختلف، صدهاهزارکارگر را اخراج کرده‌اند و روز بروز دستمزدومزایای کارگران شاغل را کاهش داده‌اند. این اقدامات ارتجاعی سرمایه داران و دولت آنها، واکنش اعتراضی شدید کارگران را درپی داشته و اعتصابات، راهپیمائی‌ها و تظاهرات متعددی درچندماه گذشته صورت گرفته است.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت از مبارزات کارگران و محکوم کردن اقدامات ارتجاعی وضدکارگری کارفرمایان و دولت آنها، خواهان تحقق هرچه فوری مطالبات کارگران معترض، از جمله کارگران کارخانه نخ کار است.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۷۷/۱۱/۶

جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

www.iran-archive.com

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۶)

دوران انترناسیونال دوم

درحالی که نخستین‌دهه قرن بیستم به پایان‌میرسید، تضادهای نظام‌سرمایه داری جهانی در مرحله امپریالیستی تکامل آن به منتها درجه تشدید شده بود. تشدید تضاد کار و سرمایه به اعتلا گسترده جنبش کارگری، اشکال تعرضی مبارزه طبقه کارگر، تظاهرات وسیع و اعتصابات‌عمومی چندصد هزار نفره انجامیده بود که یک نمونه آن اعتصاب عمومی ۳۰۰۰۰۰ کارگر بارسلون در ژوئیه ۱۹۰۹ بود. تضاد میان قدرتهای امپریالیست جهان و ملتهای تحت ستم کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره نیز به نحوی روز افزون تشدید میشد و جنبشهای رهائی بخش ملی ابعاد وسیع تری‌به‌خود میگرفت. در این میان تضاد قدرتهای امپریالیست بر سر تجدید تقسیم بازارهای جهان به مرحله ای از حدت رسیده بود که خطر بروز یک جنگ امپریالیستی هر لحظه نزدیکتر میشد. مجموعه این تضادها و درگیریها حاکی از آن بود که نظام سرمایه داری جهانی به زودی با یک بحران بزرگ روبرو خواهد شد و لحظه انقلاب پرولتری جهانی فرا خواهدرسید. اما عامل ذهنی با این روند تحول عینی اوضاع در جهت انقلاب پرولتری هم سو نبود.

احزاب سوسیالیست که میبایستی آماده نبردی قطعی برای سرنگونی بورژوازی از طریق انقلاب پرولتری باشند، عمدتا از انقلاب پرولتری روی برتافته، بیش از پیش در منجلاب اپورتونیسم فرومیرفتند و رفرمیسم به مشی مسلط آنها تبدیل میشد. عدول روزافزون از مشی انقلابی، به تشدید اختلافات در درون این احزاب انجامیده بود. با گرایش‌روزافزون حزب سوسیال دمکرات‌آلمان براست، جناح چپ‌انقلابی حزب، تحت‌رهبری روزا لوکزامبورگ، کلارازتکین ، کارل لینکنشت ، فرانتز مهرتیگ، مبارزه علیه اپورتونیسم‌ورفرمیسم‌را تشدید کرد. جناح چپ با مبارزه گسترده علیه توهم پراکنی های پارلمانتاریستی‌ورفرمیستی، ازتاکتیکهای انقلابی، اقدامات توده‌ای خارج از پارلمان، اعتصاب توده ای، سیاستهای شدیدا ضد ملیتاریستی، و در یک کلام تاکتیکهائی که در راستای برپائی انقلاب اجتماعی پرولتری بود دفاع میکرد. در زمینه تشکیلاتی نیز جناح چپ در برابر جناح راست که حزب را ابزار رفرم سیاسی میدانست و مخالف تشکیلات مستحکم کارگری بود، خواستار تجدیدساختارحزب برمبنای سانترالیسم دمکراتیک یعنی حزب انقلاب بود.

در میان سوسیال دمکراتهای کشورهای دیگر نیز همین اختلاف نظرها و مبارزه جناح چپ علیه اکثریت راست رفرمیست‌و سانتریست وجودداشت. درلهستان ، سوسیال دمکراتهای جناح چپ و در پیشاپیش آنها فلیکس درژینسکی، روزالوکزامبورگ، در بلغارستان، سوسیال‌دمکراتهای‌موسوم به تسنیاکی، در هلند جناح چپ موسوم به تریبونیست نیز کمابیش از مواضع مشابهی دفاع میکردند. در روسیه هم از مدتها پیش مبارزه دو جناح چپ و راست، عملا به دو حزب جداگانه انجامیده بود.

معهذا برغم تمام تلاش و مبارزه جناح چپ، به‌استثنای‌روسیه‌وتا حدودی بلغارستان، جناح چپ مجموعا ضعیف بودو اکثریت بسیار عظیم را جناح راست و مرکز تشکیل میدادند. علاوه براین که اکثریت عظیم احزاب سوسیالیست به انقلاب اجتماعی پشت میکردند و بیش از پیش به احزاب رفرمیست تبدیل میشدند، بوروکراتهای اتحادیه های کارگری و اشرافیت کارگری نیز مانع حرکت و ابتکار عمل انقلابی توده های کارگربودند. در این اوضاع بود که واپسین کنگره های انترناسیونال دوم تشکیل گردید.

کنگره کپنهاگ

دفتر بین الملل سوسیالیست در یازدهمین اجلاس‌خود تاریخ قطعی‌کنگره هشتم انترناسیونال دوم ومحل برگزاری‌آن‌را در کپنهاگ تصویب نمود. دستور جلسه کنگره را نیز مشخص ساخت که مهمترین موضوعات آن بحث و تصمیم گیری در مورد جنبش تعاونی، مساله جنگ، خلع سلاح و دادگاه های حل اختلاف در منازعات بین المللی ، مساله بیکاری، نتایج قانونگذاری کار در کشورهای مختلف و سازماندهی آن در شکلی بین المللی و سازماندهی بین المللی کمک به اعتصابات بزرگ بود.

کنگره در ۲۸ اوت ۱۹۱۰ در کپنهاگ گشایش یافت و در سوم سپتامبر به پایان رسید. ۸۹۶ نماینده از سازمانهای سوسیالیستی و اتحادیه های کارگری ۲۳ کشور در این اجلاس حضور داشتند. (۷۶)

یکی از مسائل مورد بحث در این کنگره که اختلافات حادی را به همراه داشت و انعکاس رشد ریویزیونیسم در میان احزاب سوسیالیست بود، شیوه برخورد به تعاونیها و ارزیابی نقش و اهمیت آنها بود.

جناح راست که ژوره فرانسوی آن را نمایندگی میکرد و قطعنامه خودرا پیش از برگزاری کنگره ارائه داده بود، در برخورد به تعاونیها نگرشی کاملا بورژوا_ رفرمیستی ارائه میداد. این نگرش تعاونیهای پرولتری را تا سطح تعاونیهای خرده تولیدکنندگان پائین می‌آورد. آنها را یکی از عناصر گذار تدریجی از سرمایه داری به سوسیالیسم میدانست. و براین اعتقاد بود که تعاونیها ابزار دمکراتیزه کردن تولید و توزیع و عنصری از دگرگونی سوسیالیستی هستند. این جناح در عین حال خواهان بیطرفی تعاونیها در قبال احزاب کارگری بود.

لنین به نمایندگی از جناح چپ مارکسیست، ضمن رد این نگرش، قطعنامه ای را به کمیسیون ارائه داد که نقش و جایگاه واقعی تعاونیهای پرولتری را روشن میساخت. در این قطعنامه گفته شده بود:

_ تعاونیهای پرولتری این امکان را به طبقه کارگر میدهند تا استثمار واسطه ها را کاهش دهد و وضعیت اش را بهبود بخشد.

_ این تعاونیها از طریق کمکهائی که به کارگران در جریان اعتصابات و بستن کارخانه ها توسط کارفرمایان مینمایند، نقش همواره روزافزونی پیدا میکنند.

_ تعاونیهای پرولتری باسازماندهی توده‌های طبقه کارگر، مدیریت مستقل و سازماندهی‌توزیع‌را به آنها یاد میدهند و کارگران را برای سازماندهی زندگی اقتصادی در جامعه سوسیالیستی آینده آماده میکنند.

سپس قطعنامه ، توهم پراکنی های بورژوا_ رفرمیستی ریویزیونیستها را در مورد تعاونیها برملا میکردو میگفت:

_ بهبودهائی که جوامع تعاونی پدید آورده اند، مادام که وسائل تولید و توزیع‌دردست طبقه‌ای قراردارند که‌خلع یدازآن، هدف عمده سوسیالیسم است، در محدوده های تنگی باقی خواهند ماند.

_ تعاونیها که موسساتی صرفا تجاری هستند، حامل این گرایش اند که به شرکتهای سهامی بورژوائی تبدیل شوند و به انحطاط‌گرایند.

_ تعاونیها که سازمانهائی برای مبارزه مستقیم علیه سرمایه نیستند ، میتوانندا‌ین‌توهم‌را که‌آنها ابزار حل مسائل اجتماعی هستند پدیدآورند.

سرانجام، این قطعنامه از کارگران سراسر جهان میخواست که :

_ به جوامع تعاونی پرولتری ملحق شوند و به هر شکل پیشرفت آنها را تسریع نمایند و برمبنای یک‌مشی‌اکیدا دموکراتیک (حق عضویت پائین، یک سهم برای هر نفر و غیره) آنها را سازماندهی کنند.

_ از طریق تبلیغ و ترویج مستمر و پیگیر در درون تعاونیها به گسترش ایده های مبارزه طبقاتی و سوسیالیسم در میان توده های کارگر مدد رسانند.

_ با رشد درک سوسیالیستی در جوامع تعاونی، پیوندهای ارگانیک میان تعاونیها و احزاب سوسیالیست و اتحادیه ها را توسعه داده و تحکیم بخشند.

و سرانجام این که گفته میشد، تعاونیهای تولید تنها هنگامی میتوانند به مبارزه طبقه کارگر یاری رسانند که اجزا لاینفک تعاونیهای مصرف باشند. (۷۷)

این قطعنامه، از جانب کنگره‌ای که‌اکثریت آنرا جناح‌راست و مرکزتشکیل میدادند پذیرفته نشد. قطعنامه ای که پذیرفته شد، قطعنامه مشترک هیئت نمایندگان بلژیک و اطریش بود. این قطعنامه میپذیرفت ، طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی خود علاقمند به استفاده از تعاونیها به عنوان یک سلاح است. سپس به مزایای مستقیم تعاونیها از جمله مبارزه با استثمار بازرگانی میپرداخت، و در عین حال علیه نظر کسانی بود که تعاونیها را ابزار حل مساله اجتماعی میپنداشتند. این قطعنامه بر پیوندهای ارگانیک، نزدیکتر و نزدیکتر میان احزاب سوسیالیست و تعاونیها تاکید

←

www.iran-archive.com

←
داشت . (۷۸)
این قطعنامه برغم این که مجموعا متضمن نظرات درستی نیز بود، اما همانند دیگر قطعنامه های جناح مرکز، کلی‌گوئی بود، وراه حلهای مشخصی به عنوان رهنمود عمل احزاب سوسیالیست ارائه نمیداد. به همین علت جناح چپ در کمیسیون تدوین قطعنامه مربوط به تعاونیها به آن رای نداد. مباحثی که در جریان کنگره و تصویب این قطعنامه پیش آمد،حاکی از ابهامات و کلی گوئی های آن بود. لنین بعدا در این مورد نوشت که در جریان کنگره و بحث بر سراین مساله، هرلحظه‌اختلافاتی پدید آمدند، اما روشن نشدند و نتیجه آن "قطعنامه‌ای‌است‌که ابهام ایده‌ها را منعکس میساخت و در مورد آن چیزی که میبایستی در قطعنامه کنگره احزاب سوسیالیست گفته شود، چیزی گفته نشد." (۷۹) با این وجود جناح چپ در جریان رای گیری بر سر قطعنامه ها ناگزیر شد، به همین قطعنامه رای دهد، تا قطعنامه جناح راست نتواند تصویب شود.
کنگره کپنهاگ یک بار دیگر مسئله ملیتاریسم و جنگ‌را موردبررسی قرار داد. جناح راست، در جریان این بحث کوشید دامنه عمل اقدامات جنبش کارگری را به ایراد سخنرانی در پارلمان، دادگاه های حل اختلاف و خلع سلاح محدود کند. جناح چپ تاکید خود را براقدامات خارج از پارلمان از جمله برپائی اکسیونهای توده‌ای ضدجنگ، سازماندهی‌اعتصاب عمومی توده ای، تبلیغات گسترده ضد جنگ در صفوف نیروهای مسلح و تشکیل میلیشیای کارگری قرارداد. جناح چپ با طرح مساله خلع سلاح و نیز دادگاههای حل اختلاف نیز موافق نبود، چرا که یا آن را عملی نمیدانست و یا در مورد دادگاهها معتقد بود ، که آنها نمیتوانند مانع بروز جنگها شوند. در نهایت آنچه که پذیرفته شد، چارچوب قطعنامه اشتوتگارت بود. در قطعنامه ملیتاریسم و جنگ، کنگره خواستار مخالفت با اعتبارات جنگی، حل منازعات بین المللی از طریق دادگاههای حل اختلاف، محدود کردن تسلیحات نیروی دریائی ، خلع سلاح عمومی، لغو دیپلماسی سری، برسمیت شناخته شدن حق تعیین سرنوشت و گسترش اعتراضات علیه جنگ شد و دو پاراگراف پیشنهادی روزالوکزامبورگ و لنین رادرکنگره اشتوتگارت به آن افزود. اما این قطعنامه تبلیغات ضد جنگ در صفوف نیروهای مسلح ، اعتصاب عمومی سیاسی و تشکیل میلیشیای کارگری رانپذیرفت.
کنگره کپنهاگ باردیگر مساله بیکاری، کمک به بیکاران و حمایت ازکارگر را مورد بحث و بررسی قرار داد. در جریان بحث بر سر این مساله نیز تقابل جناح راست و جناح چپ خود را نشان داد. جناح چپ تلاش میکرد که مساله مورد بحث را با تدارک برای انقلاب پرولتری مرتبط سازد، اما جناح راست، راه حل مساله حمایت از کارگر را از طریق همکاری‌کارگران و سرمایه داران ممکن میدانست.
در قطعنامه ای که به تصویب رسید، همانند قطعنامه های پیشین تاکید شد که بیکاری از شیوه تولید سرمایه داری جدائی تاپذیر است. اما قطعنامه خواستار انجام اقداماتی به نفع کارگران در چارچوب نظم موجود گردید و از تصویب قوانینی به منظور کمک به بیکاران به خرج دولت و سرمایه داران، ایجاد سازمانهای کمک خاص که اتحادیه ها بر آنها نظارت داشته و آنهارا کنترل کنند، کاهش ساعات کار روزانه، سازماندهی‌کارعمومی، حفظ تمام حقوق مدنی بیکاران و غیره شد.(۸۰)
کنگره کپنهاگ در قطعنامه های دیگر خود برهمکاری مداوم اتحادیه هادر سراسر جهان تاکید نمود. از اتحادیه ها خواست که کمک های سریع و موثری به آکسیون کارگران خارجی بکنند. ازاقدامات کارگران‌کشورهای دیگر به شکلی موثر حمایت و پشتیبانی نمایند. کنگره با محکوم کردن تمایلات ناسیونالیستی و انشعاب طلبانه ای که خود را در انشعاب کارگران چک از اتحادیه های اطریش نشان داده بود، یعنی، با محکوم کردن تقسیم اتحادیه ها در یک کشور معین بحسب ملیت، اتحادیه ها را به اتحاد عمل هر چه بیشتر دعوت نمود. به ابتکار جناح چپ، کنگره بر اجرای اکید قطعنامه های کنگره های انترناسیونال سوسیالیست تاکید نمود. اما جناح راست با تصویب این پیشنهاد که احزاب سوسیالیست خود تصمیم میگیرند که کی و چگونه این مصوبات‌رااجرا کنند، پیشنهاد و مصوبه جناح چپ را خنثی کرد و عملا مساله به این صورت درآمد که جناح راست و مرکز تصمیمات را اجرا نکنند.

کنگره بال

قرار بود کنگره بعدی انترناسیونال سوسیالیستت در۱۹۱۴دروین تشکیل شود، اما درگیریهای مسلحانه در بالکان، تشدید تضادهای قدرتهای امپریالیست ، بلوک بندیهای نظامی و قریب الوقوع بودن جنگ اروپائی به تشکیل یک کنگره‌اضطراری در۱۹۱۲ در بال‌انجامید. درکنگره‌اضطراری بال که ۲۴ نوامبر گشایش یافت و فردای آن روز به پایان رسید، ۵۵۵ نماینده از ۲۳ کشور جهان حضور یافتند. (۸۱)
در این کنگره اضطراری که برای پرداختن به خطر جنگ تشکیل شده بود، وحدت بی سابقه ای حاکم بود و قطعنامه ای هم که صادر شد به اتفاق آرا به تصویب رسید. برغم اختلاف نظر فاحشی که میان جناح چپ و راست و مرکز بر سر مسائل مختلف وجود داشت، این اتفاق نظر دلائل مشخصی داشت. نخست این که احساسات ضد جنگ در میان توده های کارگر شدید بود و آکسیونهای گسترده ای علیه جنگ در جریان بود، لذا جناح راست نمیتوانست این روحیات توده ها را مد نظر قراردهد .
ثانیا_ در آستانه جنگ اروپائی، مخالفت همه جناحها با آغاز جنگ، منجر به نوعی تفاهم در درون انترناسیونال‌برای‌قدرت نمائی‌دربرابر دولتهای اروپائی شده بود و اتفاق نظر حاکم در کنگره بال، بازتاب این وضعیت بود. اما اتفاق نظر به این معنا نبود که همه در برخورد با مساله جنگ موضع واحدی دارند و با آغاز جنگ نیز موضعی انقلابی اتخاذ میکنند ومصوبات را اجرا می نمایند. این واقعیت را آغاز جنگ و پشت پا زدن بخش اعظم احزاب سوسیالیست به قطعنامه ها، و مصوبات کنگره های انترناسیونال دوم، از جمله بیانیه بال و رای دادن به اعتبارات جنگی و دفاع از دولتهای‌خودی‌درجنگ نشان داد. در هر حال، کنگره بال بیانیه‌ای را بالاتفاق تصویب نمود که منطبق بر مصوبه اشتوتگارت در برخورد به مساله ملیتاریسم و جنگ بود.
بیانیه بال از جنگی که طبقات حاکمه در پی برافروختن‌آن‌بودند به عنوان جنگی غارتگرانه که مغایر منافع کارگران است، یاد نمود و از سوسیا _ لیستهای تمام کشورها خواست که دست به مبارزه ای همه جانبه علیه جنگ بزنند. بیانیه‌ازکارگران تمام کشورهاخواست که با نیروی همبستگی بین المللی پرولتری، با امپریالیسم سرمایه داری مبارزه نمایند. اعلام میکرد که کارگران فرانسه و آلمان نمیتوانند هیچ‌گونه تعهدی‌را به‌مداخله در جنگ بالکان به خاطر قراردادهای سری بپذیرند ومی‌افزود جنگ‌بخاطر نزاع اطریش و صربستان، دیوانگی جنایتکارانه ای است. بیانیه با یاد آوری این واقعیت که جنگ فرانسه و آلمان، قیام انقلابی کمون را در پی داشت و جنگ روس‌وژاپن به‌انقلاب ۱۹۰۵ انجامید و با اشاره به آکسیون های ضد جنگ کارگران، از جمله برپائی اعتصابات گسترده، به قدرتهای جنگ طلب اروپائی هشدار داد که یک جنگ جهانی نارضایتی و طغیان طبقه کارگر را در پی خواهد داشت. ایضا متذکر میشد که دولتها تنها با به مخاطره انداختن خود میتوانند جنگ را آغاز کنند. بیانیه تاکید میکرد که کارگران، شرکت درجنگ‌راجنایت میدانند و هر گونه شلیک به یکدیگر را به خاطر سود سرمایه داران، افتخارات دودمانی و معاهدات سری دیپلماتیک، جنایتکارانه در نظر میگیرند. بیانیه با اشاره به این واقعیت که جنگ، بحران اقتصادی و سیاسی و نارضایتی توده ای پدید می‌آورد، این وظیفه را در برابر سوسیالیستهاقرار داد که از بحران و خشم کارگران استفاده کنند. مردم را به حرکت درآورند و سقوط سرمایه‌داری را تسریع کنند. (۸۲) کنگره بال باصدور این بیانیه به کار خود پایان داد.

(ادامه دارد)

منابع:

۸۱،۷۶_ انترناسیونال دوم، ایگور کری و گوز
۷۹،۷۸،۷۷ _ کلیات آثار لنین ، جلد ۱۶
۸۰_ جنبش بین المللی طبقه کارگر، جلد دوم
۸۲_ کلیات آثار لنین، جلد ۲۱

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

www.iran-archive.com

کارگران خواستار افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم اند!

بحران‌وورشکستگی مالی بردوش کارگران جستجو می کنند.
صدها هزار کارگر توسط کارفرمایان اخراج و از کار بیکار شده اند . دهها هزار کارگر دیگر را در بلاتکلیفی نگاه داشته و درمعرض اخراج و بیکاری قرار داده اند . به دهها هزار کارگر بعد از چندین ماه کار طاقت فرسا، حتی یک ریال هم نپرداخته‌اند. فقر، گرسنگی ودر یک کلام، فشارهای همه جانبه‌ای را برکارگران‌ومیلیونها عضوخانواده های کارگری تحمیل کرده اند.
ازسوی دیگر تصمیم دولت اسلامی مبنی بر افزایش قیمت سوخت و سایر کالاها و خدمات دولتی به میزان ۲۵ درصد از ابتدای سال ۷۸ اعلام شده است. مجلس ارتجاع نیز سرانجام با افزایش بهاِ بنزین اگر چه نه به میزانی که مورد نظر دولت بود ، اما بمیزان ۷۵ درصد موافقت کرد وبهاِ بنزین از لیتری ۲۰ تومان به ۳۵ تومان افزایش یافت . برای بروز آثار شدید تورمی‌این تصمیمات، لازم نبود تا سال ۷۸ آغاز شود. اثرات مخرب این تصمیمات از همان مقطع تصمیم گیری، خود راآشکار ساخته وافزایش شدید نرخ تورم را در پی داشته است. بهاِ بسیاری از کالاهاو مایحتاج عمومی بسرعت افزایش یافته و گاه به دو برابر و سه برابر رسیده است . گوشت ، تخم مرغ ، قند ، شکر ، شیر ، کرایه حمل و نقل و بسیاری از کالاها و خدمات دیگر گران شده است . رشد شتابان نرخ تورم و سیر سعودی قیمت ها ، قدرت خرید و سطح معیشت کارگران را بیش از پیش تنزل داده است. سطح دستمزدها آنقدر پائین است که کارگران حتی با قلم کشیدن برروی برخی اقلام مورد نیاز از جمله گوشت ، میوه و امثال آن نیز به زحمت می توانند با آن ، یک سوم نیازهای خود ، اعضاِ خانواده شان را تامین کنند . به جرات می توان گفت وضعیت اقتصادی آنقدر وخامت بار است که اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان حتی قادر به تامین حد اقل معاش خود نمی باشند.
اقدامات سرمایه داران و دولت آنها برای انداختن بار بحران و ورشکستگی برگرده کارگران ، نه فقط در اخراج و بیکار سازیهای وسیع وعدم پرداخت به موقع حقوق کارگران، ونه فقط درافزایش بهاِ کالاها و خدمات دولتی و تشدید وخامت وضعیت مادی و معیشتی خانواده های کارگری ، بلکه همچنین در بودجه سال ۷۸ رژیم نیز انعکاس یافته است . جهت گیری بودجه سال‌آینده نیزکه در۱۱ بهمن بتصویب مجلس رسید حاکی ازتشدید فشار برکارگران است. در این بودجه در آمدهای مالیاتی دولت از رشدی بیش از ۵۰ در صد برخوردار شده است . افزایش چشمگیر مالیاتها که مورد نظردولت از سیاستهای مالیاتی، صرف نظر ازافزایش مالیات مستقیمی که ازحقوق کارمندان ودستمزد کارگران کسرمیشود، اساسا افزایش مالیاتهای غیرمستقیم‌است . مالیاتهای غیرمستقیم ، همان مالیاتی‌است که دولت برکالاها و خدمات‌اساسی میبندد. ازآنجا که مصرف کنندگان این گونه کالاها و خدمات نیز اساسا کارگران و زحمتکشان اند ، بنابراین باز هم این کارگران و زحمتکشانند که یکبار دیگر هم بایستی از طریق افزایش مالیاتهای غیر مستقیم سرکیسه شوند و بدین طریق سرمایه داران آخرین ریالهائی را هم که صرف تهیه نان خشک وخالی می شد، از جیب کارگران می ربایند.
سرمایه‌داران‌ودولت‌آنها، درهمان حال که مشکلات و دشواریهای روز افزونی را بردوش طبقه کارگر نهاده اند ، دائما از کارگران می خواهند اوضاع را تحمل کنند و " دم " برنیاورند! اما چه کسی است که نداند تحمل مشکلات هم حد ومرزی دارد. فشار استثمار و سنگینی بار از مرز تحمل فراتر رفته و دیگر غیر قابل تحمل شده است. وخامت اوضاع به حدی‌رسیده است که حتی صدای مسئولین خانه کارگر هم از وجود مشکلات فزون از "حد" (۱) در آمده است . سرمایه داران و دولت آنها با این اقدامات و سیاستهای عمیقا ضد کارگری خود، طبقه کارگر را عملا به مصاف‌ورویاروئی فرا خوانده‌اند. هم اکنون حتی تامین حد اقل معاش کارگری هم بدون مبارزه میسر نمیشود. راه دیگری جزاعتراض جدی به وضع موجود ، و جز تشدید مبارزه، فراروی کارگران باقی نمانده است . دستگاه حکومتی که سرگرم نزاع های درونی است در همان حال که ممکن است راجع به هزارویک مسئله کم اهمیت یا پراهمیتی دراین زمینه اظهار نظر نماید ، در مورد طبقه کارگر و وضعیت اسفبار زندگی کارگران خاموش است و حتی کلامی در مورد خواست کارگران نمی گوید. حتی در مورد خواست افزایش دستمزدها نیز سکوت کرده است ! افزایش دستمزد ها متناسب با نرخ تورم ، یکی از خواستهای اصلی کارگران بوده است . سال گذشته حدود ۱۸در صد اسما" بردستمزدها اضافه شد. این رقم نه فقط تناسبی با نرخ۵۰ درصدی تورم درانتهای سال گذشته نداشت و به هیچ عنوان انتظار کارگران را برآورده نمی کرد ، بلکه بحق اعتراضات بعدی کارگران را نیزدرپی‌داشت. ادامه روندافزایش قیمتها درسال جاری‌ورشد افسار گسیخته نرخ تورم، معنای دیگری جز کاهش مکرر دستمزدهای واقعی نداشت. کارگران دیگر قادرنبودند با دستمزدهای اصطلاحا" اضافه شده، نیازهای خویش را حتی به همان میزان و حدود محدود سال قبل، برآورده سازند . کاهش دستمزدهای واقعی و تشدید این روند که معنایش محرمیت و گرسنگی بیشتر و تشدید فشارهای بی حد وحصر بر کارگران بوده است، خواست افزایش دستمزدها را کماکان به یکی از خواست های اصلی کارگران تبدیل نموده است. حدود۲ سال پیش وقتی که قیمت دلاربین ۴۰۰ تا ۵۰۰ تومان در نوسان بود و مقامات و روزنامه های وابسته به رژیم ، حداقل هزینه ماهانه یک خانوار ۵ نفره را بیش از۱۲۰ هزار تومان برآورد کرده و درآمد کمتر از آن در مرز و یا در زیر خط فقر محسوب می شد . اکنون که دلاربه میمنت دولت‌آقای خاتمی و سیاست های اقتصادی آن ، از مرز ۸۰۰ تومان تجاوز کرده است ، بخوبی میتوان تورم شدید اقتصادی و فشارهای مادی فزون از حدی را که بر کارگران و خانواده های کارگری تحمیل شده است، مجسم نمود. سرمایه داران و دولت آنها کارگران را وحشیانه استثمار و سرکوب‌می کنند، کارگران و زحمتکشان را به قعر فقرو نگون بختی سوق میدهند ، به آنان گرسنگی میدهند، اما از آنان میخواهند دندان روی جگر بگذارند، انواع این سختی ها ومشقات را تحمل کنند و"دم" بر نیاورند. اما کارگران که بسیار بیش از ظرفیت خود، نابسامانی ها و وخامت حاصله از نظام موجود را تحمل کرده اند، علیرغم همه موانع و محدودیت های موجود، یکدم از اینکه به اشکال و شیوه های مختلف به ابراز نارضایتی و اعتراض بپردازند، باز نایستاده اند . دهها حرکت اعتراضی کارگری، اعم ازاعتصاب وتحصن و برپائی تجمعات اعتراضی تا تظاهرات وراهپیمائی ، تماما گواه این حقیقت است . کارگران برای مقابله با سیاست های ضد کارگری دولت و دربرابر سرمایه داران و برای دست یابی به مطالبات خود، راه دیگری جز اتحاد و تشدید مبارزه ندارند. درحرکات اعتراضی کارگری، سوای قرار دادهای دسته جمعی ، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت حقوقهای معوقه و خواستهای دیگری که به‌ایمنی محیط کار، بهبودوضعیت بهداشت و بیمه های درمانی، ادامه کاری واحدهای تولیدی و توقف اخراجها مربوط میشده است، خواست افزایش دستمزدها نیز یکی از خواستهای اصلی کارگران بوده است. اکنون هم افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم یک خواست اصلی کارگران است . دولت اسلامی دراواخر هرسال، بعد ازکلی حرافی واین‌دست و آن دست‌کردن سرانجام با افزایش رقم بسیار نا چیزی بر دستمزدهای اسمی ، همواره این خواست کارگران را بی پاسخ گذاشته است . کارگران به تجربه دریافته اندکه "شورای عالی کار" که تصمیم گیری‌درمورد تعیین میزان حداقل دستمزدها برعهده آن گذاشته شده است، شورائی است که برای شیره مالیدن برسر کارگران درست شده است. این شورا شورائی است که از منافع سرمایه داران دفاع میکند. این شورا ، شورای عالی کار نیست ، شورای عالی سرمایه است ودرنهایت هیچ حرفی جزحرف سرمایه داران ودولت آنها ندارد که بزند و تااین رژیم برسر کار است، روال کار ونقش آن برهمین منوال است.
کارگران بایستی خودآستینها را بالا بزنند وبا طرح خواست افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم در کنار سایر خواستهای خود، مبارزه متحد ویکپارچه ای را حول این خواست اصلی سازمان دهند وسکوت دولت در این زمینه را بشکنند . اگر بورژوازی و دولت اسلامی عامدانه تلاش دارند تا طبقه کارگر و مطالبات کارگری را به حاشیه برانند یا آنرا تماما به پشت صحنه بفرستند ، اگر آنان می خواهند از کنار هزار و یک معضلی که خودشان برای کارگران آفریده اند ، بی اعتنا رد شوند ، در عوض کارگران مادام که هنوزبساط این نظام ضد کارگری را جارو نکرده‌اند میبایستی با سازماندهی مستقل وگسترش جنبش اعتراضی خویش، سرمایه داران و دولت آنها را عقب برانند و خواست های خود را به آنان تحمیل کنند . در سازمان یابی این رویاروئی ، بدون شک فعالین جنبش کارگری و کارگران آگاه و پیشرو ، نقش و وظیفه بسیار مهمی برعهده دارند . مبارزه متشکل و یکپارچه ، ضامن پیروزی کارگران در مبارزه علیه سرمایه داران است.

زیرنویس:

۱_ یکی‌ازمسئولین اجرائی خانه کارگردرنامه‌ای که برای‌کار وکارگر(۲۱ دیماه ۷۷) نوشته به مشکلات کارگری اشاره نموده و گفته است که مشکلات روز افزون برکارگران تحمیل میشود و از کارگران می خواهند "دم" برنیاورند، "درحالیکه تحمل مشکلات و دم برنیاوردن هم حد ومرزی دارد"

www.iran-archive.com

گزیده ای از نامه های رسیده

توصیح کوتاهی برستون گزیده‌ای‌ازنامه های‌رسیده

_ رفقا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند ، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند . عدم تذکر این مسئله ، بمعنی عدم مخالفت نویسنده نامه بادرج نام خوددرنشریه کار میباشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم میگیرد.
_ تحریریه کاردرگزینش نامه ها برای درج درنشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است.
_ نشریه کار این‌اختیاررا دارد که قسمت یا قسمت هائی‌از نامه های‌رسیده‌وهمچنین یادداشتهائی‌را که از تشکلهای‌دمکراتیک دریافت میکند، انتخاب کرده‌و آنرا بچاپ برساند. درج این مطالب ، لزوما بمعنی تائید مواضع نویسندگان نامه‌و یا تشکلها نمیباشد.
_ ازهمه رفقاو دوستانی که برای ما نامه مینویسند درخواست میکنیم نامه خودرا اگر تایپ نمیکنند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال‌و نام خویش‌را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت‌ودرهرحال بطورخوانا بنویسند. با تشکرقبلی

*****

کانادا _ رفیق (ی) نامه شما بدستمان رسید . ضمن تشکراز اظهارلطف شما وسپاس از اینکه در صدد کمک مالی‌به سازمان برآمده اید ، باطلاعتان میرسانیم که جهت ارسال کمک مالی، اگر نخواهید به حساب سازمان واریز کنید، میتوانید کمک های مالی خود را داخل یک برگه کاغذ به پیچید و از طریق پست وهمراه نامه به همان آدرسی که نامه را می فرستید، ارسال نمائید . درضمن آدرس شما رادر اختیار تشکیلات خارج از کشورسازمان قرار دادیم تا نسبت به سایر مسائل مطروحه در نامه ، اقدام مقتضی بعمل آید . پیروز باشید.

بلژیک _ رفقای عزیز ، (ب) و (ف) ، نامه شما همراه یکهزارفرانک بلژیکی بابت آبونه نشریه کار، رسید. همانطور که خواسته اید قبل از پایان مدت آبونه، یقینا انتشارات سازمان شمارا مطلع خواهد کرد . درضمن از اظهار لطف و احساس مسئولیت شما نسبت به سازمان و اینکه در صدد کمک مالی به سازمان هستید، صمیمانه تشکر میکنیم ودرهر حال امیدواریم هرچه زودتر بتوانید مشکلات خود را در رابطه با مسائل پناهندگی حل و فصل کنید. درضمن سعی می کنیم هرچه زود ترخواست شما راعملی کنیم.
در خاتمه سلام مارابه تمامی اعضاء خانواده ابلاغ کنید. موفق باشید.

سوئد_ نامه ای از یکی از پناهجویان ایرانی از زندان کمپی در فلن سوئد بدستمان رسیده است . این پناهجوی عزیز، درنامه خود به مسئله دریافت پاسخ منفی و سپس دستگیری وزندانی شدن خود توسط پلیس و سرانجام اعتصاب غذا درزندان در اعتراض به این اقدامات ودراعتراض به احتمال باز گرداندن ایشان نموده اند و در ضمن در خواست کمک نموده اند. ما ضمن محکوم کردن‌اقدامات ضد پناهندگی و غیر انسانی پلیس سوئد و رفتار دولت این کشور با پناهندگان سیاسی ، به اطلاع این دوست عزیز میرسانیم که تشکیلات خارج ازکشور سازمان ما د رابطه با کار ایشان اقدامات حمایتی معینی را انجام داده و پیگیری نموده است.

آلمان _دوستان عزیزدست اندرکاران فصل نامه ویژه سرکوب ، اختناق و زندان ، باطلاع شما می رسانیم که شماره دوم "گفتگوهای زندان" (پائیز ۷۷) بدستمان رسید . ضمن تشکر فراوان ، برای شما آرزوی موفقیت داریم. محض اطلاع خوانندگان نشریه کار، گفتگوهای زندان ۲، در۱۶۰ صفحه شامل مقاله، گزارش زندانیان سیاسی زن ، شعر و . . . انتشار یافته است . این فصل نامه همچنین اسامی ۲۲۵۱ تن از زندانیان سیاسی را که در سال ۶۷ بدست جمهوری اسلامی قتل عام شدند ، بچاپ رسانده است.

آلمان _ رفیق عزیز ، ب ، نامه شما را پیرامون تغییر محل زندگی و آدرس شما دریافت کردیم . هانطور که میدانید، نشریه کار از شماره ۳۰۳ الی ۳۱۳ منظما برای شما ارسال شده است ، و سپس فرم آبونه نشریه نیز برایتان فرستاده شده ، از آنجا که شما وجوه نشریات ارسالی را پرداخت نکرده‌ونسبت به فرم‌آبونه واکنشی نشان نداده‌اید، لاجرم انتشارات سازمان نیز ارسال نشریه کار را از شماره ۳۱۴ به بعد ، متوقف ساخته است .
معهذا درخواست مجدد شما همچنین آدرس جدید شما را دراختیار انتشارات سازمان قراردادیم تا نسبت به ارسال نشریه و هزینه های مربوطه با شما تماس بگیرند.

* _ جمعی از فعالین سیاسی و زندانیان سیاسی سابق، طی ارسال فاکسی برای سازمان ، از اقدام خویش مبنی بر ایجاد " کانون زندانیان سیاسی ایران‌در تبعید واحد هلند" سخن گفته واعلام کرده اند هدفشان ازاین اقدام، مبارزه متشکل برای احقاق حقوق دمکراتیک و افشاء جنایات حکومت ضد بشری اسلامی است.
مابسهم خود اظهار امیدواری می کنیم که فعالیت و مبارزه این دوستان علیه جمهوری اسلامی و افشاء جنایات آن، قرین موفقیت گردد.

سوئیس _دوست عزیز (ب) _نامه شما را دریافت کردیم. نشریه کار را به آدرس جدید شما خواهیم فرستاد.

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

پیرامون خطر دیپورت بیش از ۴۶۰۰ پناهجوی ایرانی از هلند

روز ۲۲ ژانویه، کابینهٔ هلند تصمیم گرفت طرح اخراج پناهجویان ایرانی را عملی نماید. وزیر دادگستری هلند، با اتکاء به گزارش وزارت خارجهٔ این کشور از اوضاع ایران، خواستار آن شد که ایران از نظر سیاسی امن اعلام شود تا پناهجویان ایرانی که درخواست پناهندگی‌شان پذیرفته نمی‌شود، به ایران بازگردانده شوند. براین اساس، دولت هلند ایران را امن اعلام نمود و افزود که از آنجا که بهائیان، همجنس‌گرایان و نویسندگان هنوز در ایران مورد آزار قرار دارند، تقاضای پناهندگی این افراد بررسی خواهد شد.

تصمیم دولت هلند مبنی بر دیپورت پناهجویان ایرانی، به تبع سیاست اعمال فشار بر پناهجویان ایرانی از سوی سایر دول اروپایی صورت می‌گیرد. دولت‌های اروپایی که برای بستن قراردادهای اقتصادی با جمهوری اسلامی با یکدیگر به رقابت برخاسته‌اند، جان هزاران پناهجو را که از جهنم جمهوری اسلامی گریخته‌اند، وجه‌المصالحه قرار داده‌اند. دولت هلند در شرایطی، ایران را امن اعلام می‌کند که موج اعتراض نسبت به تشدید رعب و وحشت در ایران، و کشتار مخالفان سیاسی توسط حکومت اسلامی، بالا گرفته است. طی هفته‌های اخیر، نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های مدافع حقوق بشر و حتی پارلمان اروپا، جمهوری اسلامی را به سبب قتل مخالفان سیاسی و سربه نیست کردن معترضین، محکوم نموده‌اند، اما کابینهٔ هلند ایران را امن اعلام می‌کند، تا زمینه سفر وزیر بازرگانی و وزیر امورخارجه این کشور به ایران مهیا شود. امن اعلام کردن ایران، بارزترین نشانهٔ مصلحت طلبی دولت‌های باصطلاح متمدن اروپایی است و اثبات می‌کند که این دولت‌ها وقتی پای منافع اقتصادی و سیاسی‌شان در میان باشد، حاضرند بی‌شرمانه هزاران انسان را قربانی کنند. دولت هلند با اعلام این مساله که تقاضای پناهندگی نویسندگان، بهائیان و همجنس‌گرایان را بررسی می‌کند، خواسته است رد تقاضای پناهندگی، و دیپورت هزاران پناهجوی ایرانی را کمرنگ نشان دهد. در حالیکه گروههای نامبرده، تنها درصد ناچیزی از پناهجویان ایرانی را تشکیل می‌دهند. با ارزیابی دولت هلند، گویا هزاران آزادیخواه مخالف حکومت ایران، فعالان جنبش کارگری، مخالفان حکومت مذهبی و فعالان جنبش زنان، از گزند حکومت در امان هستند و تحت تعقیب و پیگرد دستگاه‌های سرکوب دولتی و باندهای سیاه وابسته به آن‌ها قرار ندارند.

از سوی دیگر وزیر کشور بلژیک در یک مصاحبه تلویزیونی از توافق رسوای میان دولت‌های هلند و بلژیک علیه پناهجویان پرده برداشت. او در این مصاحبه اعلام کرد بر اساس توافق صورت گرفته، دو کشور برای دیپورت پناهجویان از هواپیماهای اجاره‌ای و دربست استفاده خواهند کرد. او گفت این طرح که غپروژهٔ اروپاییع نام گرفته، از اواخر ماه فوریه به اجرا گذاشته خواهد شد. دولت‌های هلند و بلژیک که از گسترش اعتراضات نسبت به دیپورت پناهجویان نگرانند، قصد دارند پناهجویان را بی سروصدا، مخفیانه، و بدون ایجاد غاخلالع در پروازهای عادی هواپیماها اخراج کنند.

ما تصمیم شرم‌آور دولت هلند مبنی بر اعلام ایران به عنوان کشوری امن، و طرح دیپورت پناهجویان ایرانی را شدیداً محکوم می‌کنیم و از همهٔ آزادیخواهان، مدافعان حقوق بشر، نهادها و سازمان‌های پناهندگی و سیاسی می‌خواهیم که به اشکال مختلف، علیه این اقدام اعتراض کنند و نگذارند هزاران پناهجو قربانی منافع اقتصادی انحصارات امپریالیستی و دولت‌های حامی آنها شوند.

تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
۲۷ ژانویه ۹۹

www.iran-archive.com

اعتصاب و تحصن کارگران اداره راه

کارگران و کارکنان اداره کل راه قدس مهاباد ، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مزایای خود، از حضوردر محل کارخویش خودداری کرده ودرمحل مسجد این اداره، دست به تحصن زدند. شایان ذکر است که حدود ۳۲۵ نفر کارگران و کارکنان این اداره، بیشتر از ۴ ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند . طبق گزارش روزنامه کار و کارگر، مسئولین اداره فوق، در نظر دارند بیش از ۲۰۰ تن از کارگران و کارکنان را اخراج کنند.

تجمع اعتراضی کارگران ایران پرتو

احتمال تعطیلی کارخانه ایران پرتو شیراز که خبر آن از چند ماه پیش در میان کارگران پیچیده بود سرانجام به واقعیت پیوست وبیش از یکصد تن از کارگران این کارخانه بیکارو بلا تکلیف شدند. بعد از آنکه مسئولین کارخانه تعداد زیادی از ماشین آلات این کارخانه را شبانه (سه شنبه شب) خارج کردند، صبح روز چهارشنبه دوم دی ماه، کارگران این کارخانه با بر پائی تجمع اعتراضی در برابر ساختمان اداره کل کار فارس، نسبت باین موضوع اعتراض کرده ودرضمن‌خواستار پرداخت حقوقهای عقب افتاده خود شدند . قابل ذکر است که این کارخانه وابسته به بنیاد مستضفان است که از دو ماه قبل از این حرکت کارگری ، کارفرما ، حقوق و مزایای کارگران را بلوکه کرده و نپرداخته بود.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت آرامش

روز یکشنبه ششم دیماه، جمع زیادی از کارگران شرکت آرامش یزد، با برپائی یک تجمع اعتراضی در برابر ساختمان استانداری خواهان دریافت حقوق های معوقه خود شدند. شایان ذکر است که مدیریت این شرکت از چند ماه پیش مزایای کارگران را بکلی قطع کرده است و با به تعویق افکندن پرداخت حقوق کارگران و تشدید فشار بر آنها، در صدد اخراج کارگران قدیمی و بکار گیری کارگران جدید در قالب قرار دادهای موقت است . کارگران‌این شرکت که بیش از۵ ماه است هیچگونه حقوقی دریافت نکرده اند، با برپائی این اجتماع خواستار حقوق های عقب افتاده خود شدند. بعد از آنکه ظاهرا" قول های مساعدی در زمینه پی گیری مشکلات به کارگران داده می شود، کارگران نیز به اجتماع اعتراضی خود پایان می دهند.

تجمع اعتراضی کارگران جهان کار

روز ششم دیماه، مدیریت شرکت جهان کار مشهد، تعطیلی این واحد تولیدی را اعلام کرد . این مسئله که بیکاری و بلاتکلیفی بیش از یکصد کارگر این کارخانه را در پی داشت ، اعتراض کارگران را برانگیخت. کارگران با برپائی تجمع درخانه کارگر خراسان ، نسبت به این اقدام ضد کارگری مدیریت اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

تجمع اعتراضی کارگران جهان چیت

دو هزارتن از کارگران جهان چیت، باردیگر دست به اعتراض زدند. در پی اعلام تعطیلی این کارخانه

اخباری از ایران

و عدم پرداخت حقوق کارگران ، کارگران این کارخانه نیز تجمعات‌اعتراضی وسیع و متعددی را سازمان داده اند. کارگران در اجتماع دوهزارنفره خود در اوائل دیماه، بار دیگر خواهان رسیدگی به مشکلات خود شده وخواستار حقوقهای معوقه مهر، آبان و آذر شده اند.

تجمع اعتراضی کارگران نساجی سمنان

جمع زیادی از کارگران نساجی سمنان، با برپائی یک تجمع اعتراضی در مقابل کارخانه ، خواستار مطالبات خود شدند . این کارگران معترض که همگی آنها قبلا" توسط کارفرما اخراج شده بودند، در پایان مهلت سه ماهه ای که به مدیران جهت دریافت مطالباتشان داده بودند و بعد از سرباز زدن مدیریت از عمل به تعهدات خویش ، به این حرکت اعتراضی دست زده و مجددا" خواستار طلب های خود شدند.

نامه اعتراضی کارگران کیمیدارو

کارگران شرکت کیمیدارو با ارسال یک نامه اعتراضی به مطبوعات، خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل شدند . کارگران در نامه اعتراضی خود از جمله نوشته‌اند " با گذشت چندین سال از صدور دستورالعمل مبنی بر انجام طرح طبقه بندی مشاغل ما کارگران کیمیدارو همچنان منتظر اجرای این طرح می باشیم"!

هشت هزار کارگر در معرض بیکاری

معاون صنایع نساجی‌الیاف طبیعی سازمان صنایع و معاون بنیاد مستضعفان اعلام کرد از مجموع ۱۹ واحد تولیدی تحت پوشش‌این بنیاد دربخش نساجی و الیاف طبیعی، ۸ واحد در حالت بحران کامل بسر می برند که اگر تدابیری اتخاذ نگردد در سال آینده دچار رکود کامل می شوند . وی اضافه کرد که با تعطیلی این واحدها، بیش از ۸ هزار تن از کارگران شاغل بیکار می شوند . واحد هائی که در معرض تعطیلی قرار دارند عبارتند از چیت ری ، سیمین و بارش اصفهان، قرقره زیبا، کفش شادانپور ، سلک باف یزد، کرک کاشان و حوله لاله.

۴۰۰ کارگر اخراجی و زور گوئی سرمایه داران

رئیس هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران اخیرا" در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ حدود ۴۰۰ هزار کارگر از کار اخراج شده اند . وی همچنین گفت که درهفت ماه اول سال جاری تنها در تهران ۱۵۸۳۳ کارگر اخراج شده اند. نامبرده که خود از عاملین دولت و سرمایه داران است و وظیفه اش ایجاد مانع برسر راه مبارزه کارگران می باشد ، در این مصاحبه اشاره ای هم به زور گوئی های سرمایه داران و فقدان هرگونه امنیت شغلی نمود و افزود : "در بعضی از کارخانه ها، شرکت ها و واحد های تولیدی و خدماتی پیش از آنکه کارگر بخواهد استخدام شود برگ استعفا چک یا سفته و برگ تسویه حساب از او می گیرند تا به محض آن که اعتراض و انتقادی به مدیریت کارخانه داشته باشد اورا اخراج کنند."

۱۶ ماه کار بدون مزد، ۳ هزاراخراجی، ۶ هزاربازخرید!

یک مقام‌اجرائی خانه کارگر استان گیلان‌اعلام کرد که کارگران در بعضی از واحدهای تولیدی این استان حتی۱۶ ماه‌است که هیچگونه حقوقی‌دریافت نکرده اند . وی گفت شرکت های پرسان ، شیر پاستوریزه گیلان، نازپوش انزلی، ایران جیکا، تن ساز چرم رودبار ، چرم گیلان ، کفش ببا و چند شرکت دیگر، از ۳ تا ۱۶ ماه حقوق دریافت نکرده اند . نامبرده همچنین اضافه کرد "در سال جاری حدود ۲ تا ۳ هزار کارگر گیلانی اخراج شده اند ، ۲۰۰۰ نفر ماهها حقوق دریافت نکرده اند و قریب به ۵ تا ۶ هزار نفر براثر مسائل مختلف ، مجبور به بازخریدی شده اند" این درحالی است که بگفته وی تعداد کارگرانی که ظرف یک سال جذب کار شده اند، آنهم از طریق قراردادهای موقت ۲ ماهه تا ۶ ماهه از ۷۰۰ نفر هم تجاوز نمی کند.

خانه کارگر هم صدایش در آمده است!

وضعیت معیشتی کارگران روز بروز بدتر میشود. بر مشکلات اقتصادی و فشار کار دائما" افزوده می شود. مشکلات کارگران بحدی رسیده است که حتی صدای خانه کارگر هم درآمده است. درنامه‌ای که یکی ازاعضا خانه کارگر کرمان نوشته و آن را برای کمیسیون کار مجلس نیز ارسال نموده است، گوشه ای از مشکلات کارگران کرمان نیز انعکاس یافته است. دراین نامه از جمله آمده است:

" بیش از ۱۷۰ نفر از کارگران خانه سازی کرمان نزدیک به ۹ ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت ننموده اند و تا کنون اقدام موثری صورت نپذیرفته است . . . جامعه کارگران بشدت درمضیقه می باشند بنحویکه جهت نامین معاش روزانه خود، اقدام به فروش لوازم خانگی حتی فرش و یخچال خود نموده اند. آیا این وضعیت باید همچنان ادامه یابد؟ بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران شرکت کرمانیت بالغ بر سه ماه است که در بلا تکلیفی بسر می برند با توجه به اینکه هیئت تشخیص اداره کار حکم باز گشت بکارآنان را صادرنموده است تاکنون همچنان در بلا تکلیفی بسر میبرند و کارفرما از طریق توسل به افراد و جناحها و مسئولین سعی دارد کارگران را اخراج نماید. در واحد های تحت پوشش شرکت ذغال سنگ کرمان با داشتن بیش از ۴۰۰۰ نفر پرسنل کارگری مشمول قانون کار وهمین تعداد کار گر غیر مشمول قانون کار ، تبعیضات زیادی وجود دارد ، کارفرما علیرغم قول های مساعد جهت رفع مشکلات موجود ، متاسفانه تاکنون هیچ اقدام موثری انجام نداده است . . . شرکت خدماتی همچنان به تضییع حقوق کارگران ادامه می دهد با تمدید قراردادهای کوتاه مدت، حتی حداقل های قانونی را نمی پذیرند. البته بدلیل بیکاری زیاد، کارگران مجبورند روزانه بیش از ۱۲ ساعت کاروکمتر ازحداقل حقوق دریافت نمایند و جرات مراجعه به مراجع قانونی را هم ندارند"

← ۱۵

www.iranarchive.com

تحصن و تظاهرات گسترده ضد رژیم در سوئد

دراعتراض به قتلها وجنایات اخیر جمهوری اسلامی، تحصنی‌از سوی"کمیته مبارزه با کشتارهای سیاسی در ایران" دریکی از دفاتر"حزب چپ" واقع در شهر استکهلم سوئد برگزار گردید . شرکت کنندگان در این تحصن ، ضمن محکوم کردن اقدامات جنایت کارانه رژیم، از جمله خواستار اعزام یک هیئت بین المللی برای رسیدگی به قتل فعالین سیاسی و نویسندگان ، اعلام ایران بعنوان یک کشور ناامن ، آزادی زندانیان سیاسی درایران ، محکوم کردن جمهوری اسلامی در یک دادگاه بین المللی شدند .
شایان ذکر است ، که این تحصن که بیش از یک ماه بطول انجامید ، مورد حمایت دهها سازمان سیاسی و تشکل های دمکراتیک سوئدی و ایرانی ازجمله فعالین سازمان ما در سوئد قرار گرفت .
در خاتمه این تحصن ، " کمیته برگزار کننده تظاهرات" تظاهرات گسترده‌ای را روز۱۶ ژانویه سازماندهی و برگزار نمود که نزدیک به ۸۰۰ نفر درآن شرکت کردند . تظاهر کنندگان ابتدا در برابر پارلمان سوئد تجمع کردند. درساعت ۲ بعد از ظهر ، بعد از سخنرانی چند تن از نمایندگان مجلس سوئد ازحزب چپ و محیط زیست، پیام های نمایندگان احزاب‌چپ ومترقی سوئد وایرانی‌از جمله پیام تشکیلات خارج کشور سازمان قرائت گردید. آنگاه راهپیمائی بسوی میدان مرکزی شهراستکهلم واجرای شعارهائی علیه کشتارهای اخیر وجمهوری اسلامی آغاز گردید . سرانجام بعد از قرائت یک قطعنامه ۶ ماده ای، در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر این تظاهرات گسترده خاتمه یافت.
تظاهر کنندگان در انتهای اطلاعیه پایانی تظاهرات خود تاکید کردند که "با تظاهرات امروز، اعتراض و مبارزه علیه جمهوری‌اسلامی پایان نخواهد یافت تا جمهوری اسلامی پابرجاست ، سرکوب مبارزات و خواست های کارگران و زحمتکشان ، زنان ، روشنفکران و هر مخالف سیاسی ادامه خواهد داشت، مبارزه مادرعرصه ها وبه اشکال گوناگون تا سرنگونی این رژیم ادامه خواهد یافت."

پیام تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان(اقلیت)

رفقا و دوستان گرامی

امروز گردهم آمده‌ایم تا علیه سرکوب و اختناق حاکم بر ایران اعتراض کنیم، خشم و نفرتمان را از ترور و جنایت سازمان یافتهٔ دولتی علیه روشنفکران و فعالان سیاسی بیان کنیم و اعلام نمائیم که تا پیروزی قطعی مبارزهٔ کارگران و زحمتکشان و روشنفکران در راه کسب آزادی و دمکراسی، از پای نخواهیم نشست.

گردهمایی امروز یکی از گردهم آئی‌های متعدد هفته‌های اخیر است که در حمایت از مبارزهٔ آزدیخواهانه جاری در ایران، حکومت اسلامی را در منگنه قرار داده است. ترورهای جنایتکارانهٔ اخیر، دستگیریها و تهدید روشنفکران و مخالفان سیاسی با این هدف صورت گرفت که جو رعب و وحشت را برجامعه حاکم نماید، اما نتیجه‌ای عکس به بار آورد، اعتراضات در داخل و خارج ایران تشدید شد. گسترش اعتراضات، حکومت اسلامی و باندهای درونی آن را به وضعیتی دچار ساخته است که هر تلاش آنها برای غلبه براوضاع ناکام می‌ماند، و باز تضادها در نقطهٔ دیگری سرباز می‌کنند. سردرگمی و تناقضات هیات حاکمه در پاسخگویی به مسالهٔ ترورها، انعکاس آشکار رشد اعتراضات توده‌ای علیه سرکوب و اختناق و وحشیگری‌های حکومت اسلامی است. وقایع چند هفتهٔ اخیر نشان داد که رژیم دیگر نمی‌تواند مبارزهٔ آزدیخواهانهٔ جاری در ایران را با تشدید سرکوب مختل نماید. مبارزه برای آزادی بیان، آزادی اجتماعات و تشکل گسترش می‌یابد. به این مبارزهٔ برحق و عادلانه دامن بزنیم، فریاد رسای آزادی و دمکراسی باشیم وهم‌آوا با هزاران هزار گلوی سرخ بخوانیم:

آزادی
ای تحول خونین
ای انقلاب دور
و نزدیک.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم
تشکیلات خارج ازکشور سازمان فدائیان(اقلیت)
۲۳ ژانویهٔ ۹۹

اعتراض به دیدار کمال خرازی از فرانسه

"روز۳ فوریه ۱۹۹۹ تجمع اعتراضی که دو روز قبل ازآن توسط انجمن دفاع اززندانیان سیاسی وعقیدتی درایران و واحدهای فرانسه حزب دمکرات کردستان ایران ، حزب کار ایران _ سازمان کارگران مبارز ایران (طوفان) ، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان فدائیان (اقلیت) ، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران فراخوانده شده بود با شرکت بیش از ۱۵۰ تن از ایرانیان مبارز در نزدیکی سفارت جمهوری اسلامی ، دراعتراض به حضور کمال خرازی ، وزیر امورخارجه رژیم که برای مذاکره با دولت فرانسه در جهت گسترش روابط و تدارک سفر محمد خاتمی به پاریس آمده بود برپا شد.
شعارمحوری این تظاهرات که بر یک باندرول بزبان فرانسوی هم نوشته شده بود مخالفت با سفر محمد خاتمی به فرانسه به عنوان نماد رژیم جمهوری‌اسلامی بود. جمعیت حاضر به زبان فرانسوی وفارسی دردو ساعتی که این حرکت طول کشید شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی" ، "به خاتمی برای آمدن به فرانسه ویزا ندهید" ، " به کشتار نویسندگان در ایران پایان دهید" ، " جمهوری اسلامی قاتل و تروریست است" ، " زندانیان سیاسی را آزاد کنید " و "تریبونال بین المللی برای سران جمهوری اسلامی " بود . ضمنا با توجه به اینکه حرکت در نزدیکی سفارت رژیم برگذار می شد جمعیت پرشور فریاد می زد: "آنان دیپلمات نیستند، تروریست هستند".
برگذارکنندگان تظاهرات پس از قرائت قطعنامه این حرکت که در آن " با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی مشخص ایران، لغو مسافرت آقای خاتمی به فرانسه و محکومیت سیاست مماشات با دولت او " مطرح شده ، همگان را به اعتراضات وسیع تر در سطح فرانسه واروپا علیه سفر رئیس جمهوراسلامی به این کشور دعوت کردند."

درس های انقلاب

پیشروی خود ادامه می داد . تازه پس از قیام بود که از دل کمیته های اعتصاب شوراهای کارخانه ها در سطح وسیعی شکل گرفتند . سربازان و پرسنل انقلابی نیروهای مسلح، شوراهای سربازان را ایجاد نمودند و دهقانان نیز به تشکیل شورا دست زدند . اما این اقدامات آخرین مراحل پیشروی انقلاب بود. ضد انقلاب که قدرت سیاسی را به چنگ آورده بود، نخستین تلاش خودرا برای بازسازی ماشین دولتی، سروسامان دادن به نیروهای مسلح ازهم گسیخته آغاز کردو فرمان خلع سلاح مردم را صادر نمود . با یکرشته تعرضات پی در پی دست آوردهائی را که مردم در جریان انقلاب بدست آورده بودند از آنها باز پس گرفت وتعرض قطعی را در سال ۶۰ برای سرکوب و قلع وقمع مخالفین و برچیدن هرگونه آزادی و اعتراض سازمان داد. مردم هنگامی به خود آمدند که دیدند چیزی ازانقلاب باقی نمانده است و نه تنها چیزی از انقلاب باقی نمانده بلکه اوضاع به مراتب وخیم تر و اسف بار تر از دوران قبل از انقلاب شده است . اما چرا چنین شد و انقلاب با شکست روبرو گردید ؟
پیروزی هرانقلاب مقدم برهرچیز مشروط به این است که نیروی انقلاب ، قدرت سیاسی را بدست آورد . این نیروی انقلاب در ایران کارگران و زحمتکشانند. اما در مقطع انقلاب، درنتیجه سالها اختناق وسرکوب رژیم شاه که مانع از تشکل و آگاهی کارگران و زحمتکشان شده بود ، آنها در موقعیتی نبودند که خود قدرت سیاسی را بدست بگیرند، اغلب کارگران همانند دیگرتوده های وسیع مردم، از روی ناآگاهی به خمینی مرتجع و وعده و وعیدهای او اعتماد کردند ، لذا او خود را در راس جنبش قرار داد و با سرنگونی رژیم شاه مجددا قدرت دردست ضد انقلاب قرار گرفت وارتجاع اسلامی وطبقاتی یعنی بورژوازی، متحدا" انقلاب را سرکوب کردند . اکنون توده های مردم ، کارگران و زحمتکشان دریافته اند که نمی بایستی به خمینی‌و وعده و وعیدهای او اعتماد کنند. این درس مهمی برای کارگران و زحمتکشان ایران است که دیگر به کسی جز خودشان و نیروی خود شان اعتماد نکنند. نیروئی که انقلاب می کند وتمام بار انقلاب را بردوش می کشد ، خود باید قدرت سیاسی را نیز بدست بگیرد، دستگاه دولتی طبقات ستمگر و ارتجاعی را درهم بشکند ، از طریق شورا هائی که در حین انقلاب شکل می گیرند به اعمال حا کمیت بپردازد و انقلاب را به فرجام پیروزمندش برساند. این نیرو کسی جز کارگران و زحمتکشان ایران نیست.

www.iran-archive.com

اخبار کارگری جهان

اعتصاب پیروزمند معدنچیان در رومانی

از روز ۴ ژانویه قریب به ۱۵ هزار نفراز معدنچیان منطقه Jiu واقع درجنوب غربی رومانی با خواست افزایش دستمزد به میزان ۳۵ در صد و اعتراض به تعطیل دو معدن ذغال سنگ ، دست به اعتصاب نامحدود زدند. همزمان با اعتصاب فوق ، صدها نفراز معدنچیان درمیدان مرکزی شهرPetrodani تجمع نموده و به طرح مطالبات خود پرداختند . از مهمترین مطالبات کارگران ، توقف فوری واگذاری بیش از ۱۴۰ معدن در رومانی به بخش خصوصی ، توقف تعطیل معادن، برکناری وزیر صنایع ومذاکره با نخست وزیر این کشور بود.

طی سالهای اخیر ، معدنچیان رومانی با مبارزات متحد خود توانسته اند از تنزل سطح دستمزدهای خود جلوگیری کنند . در حالی که سرمایه داران حملات گسترده ای جهت باز پس گرفتن دست آوردهای مبارزاتی کارگران را سازمان داده اند، اما قادر نشده‌اندمبارزه وسیع ومتحد معدنچیان را سرکوب نمایند. هم اکنون دستمزد معنچیان دو برابر دستمزد سایر کارگران بخش های تولیدی است . این امر از یکسو بواسطه شرایط دشوار و سخت کار در معادن است واز سوی دیگر مقاومت یکپارچه ای است که معدنچیان طی دهسال گذشته به نمایش گذارده‌اند . نتیجه این مبارزات ، عقب نشینی دولت سرمایه‌داران بوده است.

حرکت متحد ومتشکل معدنچیان که ازاوائل ژانویه سال جاری آغاز گشت ، به شدت گسترش یافت. علیرغم تهدیدات دولت و پلیس ضد شورش ، اعتصابیون بمقابله با سیاستهای دولت وصندوق بین المللی پول برخاستند . طی سالهای اخیر ، صندوق بین المللی پول مکررا از دولت این کشور خواسته است تا به تعطیل معادن " کم بارآور " اقدام نماید. این بخشی‌از سیاستهای این نهاداست که درصدد است تعداد وسیعی از معادن دراروپای شرقی را تعطیل نماید. دولت رومانی، سیاستهای دیکته شده صندوق بین المللی پول را در آخرین روزهای سال گذشته به مورد اجرا در آورد و دو معدن ذغال سنگ در منطقه Jiu را تعطیل نمود که در نتیجه آن بیش از ۲ هزار کارگر اخراج شدند . در اعتراض به این اقدام دولت ، کارگران اعتصاب خود راآغاز نموده واعلام کردند تا تحقق مطالبات شان ، از پای نخواهند نشست .

در سومین هفته اعتصاب ، معدنچیان در صفوف منظم به سوی پایتخت دست به راهپیمائی زدند . بیش از ۱۵ هزار معدنچی در حالی که به بخارست نزدیک میشدند ، مورد حمله پلیس و نیروهای ضد شورش قرارگرفتند. ارتش رومانی با اعزام تانک و هلی کوپتر، از زمین وهوا، راهپیمایان را به گلوله بست. اما این اقدامات وحشیانه نیز خللی در عزم راسخ اعتصابیون وارد نیاورد و آنان همچنان به حرکت خود ادامه دادند . درپی گسترش مبارزات معدنچیان، روز ۱۶ ژانویه وزیر کشور رومانی از کار برکنار شد و دولت این کشور وادار به عقب نشینی گشت . حرکت یکپارچه و وسیع معدنچیان رومانی موجب شد که دو معدن تعطیل شده ، باز گشائی شوند. خواست دیگر کارگران مبنی بر ۳۵ در صد اضافه دستمزدنیز به نشست های آتی فی ما بین موکول گشت . سر انجام روز ۱۹ ژانویه اعتصابیون، پیروزمندانه اعتصاب را پایان دادند.

افزایش تعداد بیکاران درآلمان

روند بیکاری درآلمان همچنان سیر صعودی طی میکند. طی ماه دسامبر گذشته ، بیش از ۲۵۰ هزار نفر به بیکاران این کشور افزوده شده و رقم کل بیکاران به ۴ میلیون و۲۰۰ هزارتن بالغ گشته است. نرخ بیکاری در آلمان در حال حاضر ۱۱ درصد می باشد. این در حالی است که دولت آلمان وعده داده است که تا سال ۲۰۰۱ تعداد بیکاران را به ۳ میلیون نفر کاهش دهد.

اشغال کارخانه توسط کارگران اخراجی در برزیل

روز ۴ ژانویه، قریب به ۳ هزار تن از کارگران یکی از کارخانه های کمپانی‌اتومبیل سازی فورد درشهر سائوپولودر برزیل، ساختمان کارخانه را به اشغال خود در آوردند . این حرکت در اعتراض به اخراج هزاران تن از کارگران کارخانجات فورد در ماه دسامبر سال گذشته انجام گرفت. کارخانه فورد در آخرین روزهای سال ۹۸ به بهانه " تقویت قدرت رقابت" هزاران تن از کارگران چندین کارخانه فورد در برزیل را اخراج نمود.

اعتصابات کارگران راه آهن مجارستان

با ادامه مخالفت مقامات راه آهن دولتی مجارستان با خواست بیش از۱۵ هزار نفر از کارگران راه‌آهن ، روز۴ ژانویه به دعوت اتحادیه آزاد کارگران، برای چندمین بار کارگران راه آهن دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. خواست اعتصابیون۲۱ درصداضافه دستمزد می باشد . لازم به ذکراست که درروزهای ۲۱ و ۲۲ دسامبر سال قبل نیز، کارگران دست به اعتصاب زده بودند.

دولت مجارستان به منظورتضعیف اتحاد مبارزاتی کارگران ، تنها با افزایش دستمزدهای بخشی از کارگران راه آهن موافقت نمود . اما اعتصابیون برغم این سیاست تفرقه افکنانه دولت، به اعتصاب خود ادامه دادند.

اتحادیه بین المللی کارگران حمل ونقل (ITW) ضمن افشای سیاست های تفرقه افکنانه دولت مجارستان از خواست اعتصابیون حمایت به عمل آورد وازکلیه اتحادیه های کارگری جهان خواست تا همبستگی خود را با کارگران اعتصابی اعلام نمایند . حرکت یکپارچه اعتصابیون سرانجام دولت را به عقب نشینی واداشت.

اعتصاب معدنچیان‌آفریقای جنوبی

معدنچیان منطقه Lebowa درآفریقای جنوبی، روز ۲۰ دسامبر به منظور بهبود شرایط کار و توقف خصوصی سازی معادن پلاتین دست به اعتصاب زدند. در همبستگی با این حرکت، معدنچیان منطقه Rutenburg نیز با خواست افزایش دستمزد، دست از کار کشیدند.

←

زنده باد سوسیالیسم

www.iran-archive.com

←

اعتصاب معدنچیان دراوکرائین

از اواخر دسامبر، بیش از ۴۰ هزار نفرازمعدنچیان اوکرائین دست به یک اعتصاب نا محدود زدند . از جمله خواستهای اعتصابیون، پرداخت دستمزدهای معوقه می باشد ، معدنچیان اعتصابی قریب به یک سال‌است که دستمزدی دریافت نکرده‌اند. گرسنگی، فقر و فقدان حد اقل امکانات رفاهی موجب گشت که یکی از معدنچیان خود را به آتش بکشد.

اعتراض کارگران در اسپانیا به افزایش مالیات ها

به دعوت اتحادیه های سراسری کارگران اسپانیا (C.C.O.O, UGT)، روز ۳ دسامبر بیش از۱۰۰ هزار کارگر دست از کار کشیدند . در این روز کارگران خشمگین در بیش از ۵۰ شهر راهپیمائی نموده وخواستار ۳۵ ساعت کاردرهفته بدون کسر دستمزد ، افزایش حق بیکاری و کاهش مالیات اقشار کم درآمد شدند . دولت اسپانیا در حالی که این کشور بالاترین رقم بیکاری در میان کشورهای اروپائی راداراست، تصمیم دارد که به بهانه مبارزه با بیکاری ، مالیات اقشار پردرآمد را کاهش داده و کارگران و زحمتکشان این کشور را وادار نماید که سهم بیشتری از دستمزد ناچیز خود را به صندوق مالیات دولت سرمایه داران بپردازد.

اعتراضات کارگران ودانشجویان در پاناما

روز ۳ دسامبر، بیش از۱۰ هزار کارگر ودانشجوی خشمگین در اعتراض به خصوصی سازی خدمات آبرسانی شهری، در خیابانهای پاناما سیتی دست به اعتراض زدند . در این روز کارگران بخشی از ساختمان پارلمان را اشغال نمودند. پلیس با شلیک گلوله و گاز اشک آور به سرکوب تظاهر کنندگان پرداخت. حرکات اعتراضی کارگران و دانشجویان درروزهای بعد نیز ادامه یافت ودر روز۶ دسامبر، دانشگاه دولتی پاناما به اشغال نیروهای سرکوبگر پلیس در آمد. در اثر یورش سرکوبگران ، صدها دانشجو زخمی شدند. در اعتراض به این اقدامات وحشیانه، هزاران کارگر اعتصابی، به راهپیمائی و تظاهرات در شهرهای پاناماسیتی و سانتیاگو پرداختند و خواستار خروج نیروهای پلیس از محوطه دانشگاه شدند.

اعتصاب کارگران راه آهن در رومانی

روز۲۱ دسامبر، متروهای شهری وقطارهای مسافر بری در سراسر رومانی ازحرکت ایستادند. هزاران کارگر راه آهن دراین روز با خواست پاداش سال نو و افزایش دستمزدها، دست از کار کشیدند.

دهها هزار کارگر درآستانه اخراج

اخراج کارگران در اروپا همچون سایر نقاط جهان ادامه دارد. کارخانه سوئدی اریکسون اعلام داشت ظرف ۲ سال آینده ۱۱ هزار نفرازمجموع ۱۰۴ هزار شاغل این کارخانه را اخراج خواهد نمود.
کنسرن روسی گاز Gazprom طی سال جاری ۳۵ کارگررا بیکار میکند و در مجموع ۱۰ در صد از نیروی شاغل خودرا ظرف چند ماه اخراج خواهد نمود.
دراندونزی، کارخانه سازنده هواپیما دراین کشور موسوم به IPTN اعلام نمود طی سال جاری۶۰۰۰ کارگر را اخراج می کند.

گرامی داشت یاد روزالوکزامبورگ و کارل لیبکنخت

روز ۱۰ ژانویه به مناسبت هشتادمین سالروز ترور روزالوکزامبورگ وکارل‌لیبکنخت ، بیش از۱۰۰ هزار نفر در یکی از میادین شرق برلین _ که محل کشف اجساد این دو انقلابی بزرگ است _ گرد آمده و با نثار هزاران شاخه گل یاد آنان را گرامی داشتند. شرکت کنندگان سپس ضمن راهپیمائی به سمت گورستانی که این انقلابیون به خاک سپرده شده اند، حرکت کردند . در جریان این مراسم پلیس به صفوف تظاهر کنندگان یورش برد و دهها تن را مجروح کرد.

هشدارفلزکاران‌آلمان به دولت

قریب به ۲۲۰ هزار تن از کارگران صنایع فلزات آلمانی با برپائی یک اعتصاب یک روزه به دولت آلمان هشداردادند تا با خواست‌آنان مبنی بر ۶/۵ درصد اضافه دستمزد موافقت نماید . در غیر این صورت‌اتحادیه(ای. گ. متال) با داشتن۳/۴ میلیون عضو دست به اعتصابات وسیع و گسترده ای در اواخر ماه فوریه خواهد زد.
کارفرمایان در مقابل خواست کارگران، طرح ۲ در صداضافه دستمزد را عنوان کرده‌اند. این‌امرموجب اعتراضات‌وسیع کارگران شد و آنان با اعتصابات خود به دولت اولتیماتوم دادند. دراعتصاب فوق که روز ۲۹ ژانویه برپا شد کارگران اتومبیل سازی کرایسلر، ب.ام.و، پورشه و فورد شرکت نمودند.

جمهوری اسلامی را باید
با اعتصاب عمومی سیاسی وقیام مسلحانه سرنگون کرد

مردم مبارز ایران !

ادامه حیات جمهوری اسلامی نتیجه ای جز تشدید فقر، بدبختی، اختناق وبی حقوقی نداشته وندارد.
برای رهائی از شر تمام مصائب وفجایعی که این رژیم به بار آورده است، راه دیگری جز سرنگونی آن وجود ندارد.
تجربه انقلاب علیه رژیم شاه نشان داد که سرنگونی حکومت از طریق برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه امکان پذیر است.
برای برپائی اعتصاب عمومی سیاسی، کمیته های کارخانه وکمیته های اعتصاب را در هر کارخانه و مؤسسه ایجاد کنید.

سازمان فدائیان (اقلیت)

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

تسلیمه نسرین سخن می گوید

متن زیر، ترجمه و خلاصه نوشته ای است از تسلیمه نسرین که در سپتامبر ۹۸ در بنگلادش بتحریر درآمده است :

* * * * *

"من نه فیلسوف، نه‌مورخ‌ونه‌حتی‌نویسنده خوبی‌هستم. من‌تنهایک‌نویسنده‌معمولی‌ام. نویسنده ای که مورد تهدید اسلامگرایان افراطی قرار گرفته استت. آنها فتوائی‌علیه من صادر نمودندوبرای سرم جایزه تعیین کردند. حتی امروزباگذشت سالها، نام مرا برای تحریک عده ای به کار میبرند. بنابه ادعای‌دولت‌بنگلادش‌من یک مجرم ام. کتاب من ممنوع شده و حکم بازداشت من نیز صادر گشته است. از همینرو من به اجبار به زندگی زیرزمینی روآورده ام. ابتدا به همت دوستان وآشنایان به مدت ۶۰ روز مخفی بودم. اماپس‌ازفشارهای بین‌المللی، دولت بنگلادش مجبور شد اجازه خروج من را صادر کنداماآینده من همچنان ناروشن و نامطمئن است.

گرچه سالهاست که ازکشورم و مردم ام دورشده‌ام، اما همچنان‌براعتقاداتم مصرم. من به هیچ مذهبی اعتقاد ندارم. من به باورم به انساندوستی ادامه خواهم داد. هیچ خدائی را پرستش نمی کنم تا مرا از شر مصائب دور بدارد. من هنوز به خود _ به عنوان انسان _ بار دارم‌وقطعابه‌شما اطمینان میدهم که به مبارزه ایدئولوژیک با بنیادگرائی مذهبی ادامه خواهم داد.

من یک آتئیست هستم. گرچه متخصص مسائل مذهبی نیستم. اما در اثر تجربه در زندگیم به یک آتئیست تبدیل شده ام. من در یک خانواده مسلمان متولد شدم. در دوران نوجوانی در دور و بر خود اثرات مستقیم جنگ بین هندوها و مسلمانان را دیده وتجربه کرده ام. خشونت و بربریتی که مذاهب علیه مردم براه انداخته‌اندرا لمس کرده‌ام. هنگامی‌که به‌تحصیل‌علوم‌پرداختم و عظمت وشکوه تجربه و آزمایش تحلیل و منطق را فراگرفتم، آموختم که هیچ چیز را نباید بدون چون و چراپذیرفت. حتی‌اگر "قدرت آسمانی"برآن اصرارداشته باشد.

طبیعی است که نمی‌توانم هرتزو فرضیه‌ای را بدون سوال و تحقیق و تحلیل بپذیرم. آنگاه شروع به‌مطالعه‌قرآن‌کردم. باشگفتی تمام در قرآن خواندم که : "خورشید به‌دور زمین میچرخد". این یک نمونه از بی‌منطقی محض است. قرآن همچنین تبعیض نسبت به زنان رامی‌آموزد. زنان رابه یک‌موضوع جنسی تنزل میدهدوآنان را برده قلمداد می کند. طبیعی است که با این تفاصیل باید قرآن را کنار بگذارم. و گذاشتم. ضمنا ناگفته نماند که هرگاه به مطالعه نقش‌مذهب پرداختم، نقش اش را ستمگرانه یافته ام. تصمیم گرفتم به مبارزه بلندشوم. قلم ام را بدست گرفتم تا علیه ظلم، ستم و بی منطقی مبارزه کنم. علیه جنایات مذهب نوشتم. خصوصا ظلم وستم علیه زنان را تشریح کردم. این‌به چه‌منجر شد؟ همانطور که در بالا گفتم، دولت مرا مجبور به ترک دوستان،آشنایان، اقوام، مردم و کشورم کرده است.

اما من به دلائل‌دیگری‌نیز ضدمذهب هستم. از جمله این که مذهب هیچگاه به‌مردم‌عشق و محبت نیاموخته و تنها به آنان کینه و نفرت می آموزد. کینه و خشم و نفرت‌علیه سایر مذاهب. مذاهب مردم را به دست‌قضا و قدر و"سرنوشت"می سپارند. اعتماد به نفس را از مردم میگیرندوقدرت تصمیم گیری را از مردم سلب میکنند. مذاهب‌مردم را به پرستش فقروایثار در این دنیاتشویق میکنند.

البته همواره در همه جا، دانشمندان و متفکرین علیه مذاهب به مبارزه برخاسته اند. با طرح سوال و حمله به بنیاد خرافی مذاهب در جامعه علیه فریب‌ونیرنگ مذاهب فریاد برآورده اند. اما "علما" و کشیش ها به نابودکردن‌آثار علمی این عده کمربسته اندتا اثری از آنان و ایده های علمی وضد خرافی آنان باقی نماند و خود به پراکندن خرافات و جهل ادامه دهند.

امروز مابه همان مبارزه علیه جهل و بی منطقی ادامه میدهیم. ظهورمجددبنیادگرائی در گوشه و کنار جهان مبین مبارزه عاجل علیه خرافه و خرافه پرستی است. اسلامی که مغلوب علم و تمدن شده در جستجوی "ریشه "خود است. البته عامل ترس نیز در این جستجو نقش مهمی ایفامیکند. البته مسئولیت قد علم کردن بنیادگرائی را تنها نباید برگردن به اصطلاح رهبران سکولار کشورهای سابقا مستعمره گذارد که در صددند، برای حفظ منافع خود تحت لوای بنیادگرائی، عرض اندامی کنند. مسئولیت اصلی بردوش دولتهای دمکراتیک‌وسکولار کشورهای توسعه یافته است. این، آنها هستند که قرارداد سازش با بنیادگرایان‌را امضا کرده اند. ماخود شاهد بوده ایم که چگونه باصطلاح احزاب سیاسی سکولار در بنگلادش از احساسات مذهبی مردم سو استفاده کردند تا آراِ آنها را کسب نمایند. موارد مشابهی از این اپورتونیسم درهند و کشورهای دیگر نیز موجود است. ما همچنین ناظر بوده ایم که چگونه دولتهای قدرتمند غربی که خود راحامی حقوق بشر میدانند، از بنیادگرائی‌دفاع میکنند. دولتهای دمکراتیک برای حفظ منافع کوتاه مدت اقتصادی خود، دیکتاتوریهای نظامی را به رسمیت‌می شناسند. دولت سکولار با دولت های مذهبی‌ومستبد پیمان دوستی میبندد. آنها بر رفتار و اعمال خشن و غیر انسانی دستجات بنیادگرا مهر تائید میزنند. این معیارها و نرم دوگانه، در عمل به برسمیت شناخته شدن بنیادگرایان می‌آنجامد. بدین طریق دولتهاخودبه‌یاروحامی بنیادگرایان مبدل میشوند ودرپیگرد، بازداشت‌و اسارت نویسندگان و مخالفین شریک میشوند .

در غرب، برخی از نویسندگان به حمایت شرمگین از بنیادگرایان برخاسته اند. آنها چنین ادعا میکنند که تمامی رسوم و آداب در کشورهای جهان سوم برای زنان چندان مضر و منفی هم نیستند. آنها به‌وجودثبات و صلح اجتماعی در جهان شرق اشاره می کنند. آنها حتی میگویند که‌وجود حرم‌سرا الزاما بد نیست زیرابدرجاتی‌موجب استقلال زنان میشود. من با عرض معذرت ، این اظهارات را پرت و پلای محض میدانم. هیچگونه اختلافی نباید در مضمون حقوق بشر در شرق و غرب باشد. اگر چادر برای زنان غربی بد است برای خواهران شرقی هم بد است. اگربایددرغرب‌علیه‌پدرسالاری‌مبارزه شود، بایددرشرق نیز چنین باشد. در واقع ضرورت مبارزه علیه پدرسالاری در شرق مبرم تر و حیاتی تر است چرا که بخش عظیمی از زنان در آنجا فاقد تحصیلات و استقلال اقتصادی نیزهستند. اگر تحصیلات و پیشرفت برای زنان غربی خوب‌است‌چرا بایدزنان‌شرقی از آن محروم‌باشند. صلحی که برخی نویسندگان غربی از وضعیت زنان در شرق به تصویر میکشند، صلح واقعی نیست، صلح گورستان است. مساله این است که مبارزه با بنیادگرائی، مبارزه ای است مداوم وسازش ناپذیر. این‌مبارزه هم تئوریک است و هم عملی .

دمکراسی و سکولاریسم باید در عمل به موازات هم پیش روند نه اینکه در حد حرف و شعار باقی بماند. بنیادگرائی انسان را از مسیر تحول، آگاهی و اشراف به حقوق فردی خود منحرف میکند. بنیادگرائی بهیچ وجه قابل قبول نیست چرا که آنها بر الهی بودن و نهائی بودن قوانین پافشاری می کنند. آنهابه قضاوقدروسرنوشت معتقدند، حقوق فردی را به رسمیت نمی شناسند.

آنها تنها به دیکته کردن "سرنوشت "مردم مشغولندوبس. آنها به آزادی فردی وآزادی انتخاب و آزادی فکر و اندیشه اعتقادی ندارند. آنها خود را یگانه نیروی مجاز و مشروع و معتقد میدانند. زبان آنها زبان تنفر، خشم ، کینه، خشونت‌و جنایت است. آنها به ادعای خودشان با نیروی نظامی و توپ و تفنگ به پاسداری از " روح و نفس "میپردازند.

آیا یک انساندوست، یک فردگراممکن‌است که این ستم وحشتناک رابپذیرد؟ مبارزه بین جهل و خرافه با روشنگری، بین قضا و قدر با منطق اجتناب ناپذیر است. این مبارزه‌بایددرتمامی‌عرصه‌ها: ایدئولوژیک، آموزشی، سیاسی، فرهنگی و در عرصه زندگی روزمره جریان و تداوم یابد.

خلاف جریان منتشر شد

خلاف جریان به زبان انگلیسی شماره ۱۵ و به زبان فرانسه شماره ۲۱ درماه ژانویه ۱۹۹۹ منتشر شد.

www.iran-archive.com

←

یادداشتهای سیاسی

امر فرمودند که تصویب شود

فردی برآنها حاکم است، فرمانروای مستبد هم دیگر به این شکل علنی و عریان به مجلس فرمایشی و دست نشانده خود دستور نمیدهد که تصویب کندیا نکند، اما کاررسوائی سیاسی حکومت اسلامی بدانجا کشیده است که دیگر نمیتواند ظاهر قضیه را هم‌حفظ کند. ارباب‌امر می فرمایند و نوکران او در مجلس فرمان را اجرا میکنند.
این رویداد چنان شکل زننده‌ورسوائی به خود گرفت که برخی از مرتجعین درون مجلس نیز خود را تحقیر شده یافتند. درپایان‌رای گیری، یکی از مرتجعین وابسته به جناح اکثریت به نام خانم وحید دستجردی فریاد زد: " این مجلس فرمایشی است و از فردا به این مجلس نمی آیم" اما گویا این خانم مرتجع فراموش کرده بود که اصلا انتخاب خودش هم فرمایشی بوده است. در جمهوری اسلامی همه چیز فرمایشی است.

شوراهای اسلامی هم به معضل دیگری برای رژیم تبدیل شده اند

رد صلاحیت تقریبا تمامی طرفداران خاتمی در تهران، که در میان آنها نام تعدادی ازمعاونین و مشاورین وی نیز دیده میشود بحران تازه‌ای برای رژیم ایجاد کرده است. هیئت نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی که منتخب مجلس و وابسته به‌جناح‌مسلط است، صلاحیت‌کاندیداهای طرفداران خاتمی را به‌اتهام‌عدم اعتقاد والتزام عملی به اسلام و ولایت فقیه رد کرد. این رد صلاحیت معاونین و مشاورین رئیس جمهور و دیگر طرفداران او، واکنش شدیدی را از سوی ائتلاف وابسته به خاتمی‌برانگیخت. وزیرکشور تصمیم هیات نظارت‌راغیرقانونی و بی اعتبار اعلام نمودوگفت:"ردصلاحیت داوطلبان وظیفه هیئتهای‌اجرائی‌است‌وغیرازاین را نمیپذیریم ". وی سپس در گردهم آئی معاونان سیاسی و امنیتی استانداریها، پا را از این حد نیز فراتر نهاد و اظهار داشت:" اگر فردی رد صلاحیت شود، اما این رد صلاحیت مورد قبول وزارت کشور نباشد، نام وی را اعلام میکنیم تا مردم رای خودشان را درباره آن فرد بدهند." درپی این رویداد دیگر سران رژیم، دست اندرکاران دستگاه دولتی و وابستگان به‌جناحهای حکومت وارد این نزاع و کشمکش جناحی شدند. هیئت نظارت موضع گیری وزیر کشور را غیرقانونی خواند و تعدادی از نمایندگان مجلس به وزیر کشور هشدار دادند که اگر پا را از حد خود فراتر نهد به سرنوشت عبدالله نوری دچار خواهدشد. سران حکومت که دیدند این مساله هم به عاملی برای تشدید بحران حکومتی تبدیل شده، تلاش نمودند که با تشکیل کمیته ای از ۵ حقوقدان به نمایندگی از طرفهای دعوا، اختلاف را فیصله دهند. برغم این که همه ملزم شده بودند، تصمیم اکثریت این کمیته را بپذیرند، اما کاری از پیش نرفت و کسی تصمیمات آن را نپذیرفت. لذا هیئت جدید حل اختلاف تشکیل شد. در جلسه ای که رئیس جمهور و رئیس مجلس، وزیر کشور، وزیر ارشاد، هیئت مرکزی نظارت برانتخابات شوراهای اسلامی، و ستاد انتخابات درآن حضور داشتند، تصمیم گرفته شد که یک کمیته حقوقی از نمایندگان طرفین تشکیل شود و به "بررسی رفع ابهامات قانونی و تبیین قانون انتخابات شوراها و آئین نامه های اجرائی آن " بپردازد. گویا که این دعوا بر سر "ابهامات قانونی" بوده و حالا هیئتی جدید میخواهد آن را برطرف کند. هردو جناح این را میدانند که کشمکش بر سر انتخابات شوراهای اسلامی نه منتج از ابهامات قانونی است ونه دعوائی حقوقی. این کشمکش یک منازعه سیاسی ویک جنگ قدرت میان دو جناح است. جناح طرفداران خاتمی برای تقویت نفوذ خود در دستگاه دولتی و به چنگ آوردن شهرداریها که میتوانند نقش مهمی برای آنها ایفا کنند، شوراهای اسلامی شهر و روستا را از بایگانی آثار عتیقه جمهوری اسلامی بیرون آوردند. این جناح امیدوار بود که حزب الهی های طرفدار خود را در این باصطلاح شوراها جا دهد و قدرت و نفوذ روحانیون محلی و وابستگان به جناح رقیب را کاهش دهد. جناح دیگر هم که در آغاز تمایلی به برگزاری انتخابات برای شوراهای‌شهروروستا نداشت، همین که دید طرفداران خاتمی مصمم اندشورا های اسلامی را علم کنند، کوشید ابتکار عمل‌را از دست آنها بگیرد، تا حد ممکن آنها را کنار بگذاردوقدرت خودرا در این ارگانهای حکومتی مستحکم سازد. هیئت نظارت برانتخابات این وظیفه را برعهده گرفت که نقش‌شورای نگهبان را در انتخابات شوراهای دولتی ایفا نماید . حالا، هیئت نظارت که مدعی است، او باید صلاحیت داوطلبین را ردیا تائید نماید، دست به کار شده و تاکنون صلاحیت بیشتر کاندیدا های طرفدار خاتمی را رد کرده‌است. لذا کمیته حقوقی نمیتواندایناختلاف سیاسی را حل کند، آنچه که باقی میماند این است که آنها برغم منازعات‌وکشمکشهای سیاسی به توافقی موقتی دست یابند که ترکیب اعضا شوراهای اسلامی نتواندتوازن قوای‌موجودرا برهم بزنند. معضل هم در همین جاست. چرا که در عین حال هردو جناح میخواهند توازن موجود را به نفع خود تغییر دهند. در این میان این حقیقت بازهم بر مردم ایران بیشتر روشن میگردد که شوراهای اسلامی شهر وروستا، ارگانهای دولتی ضد مردم اند و نزاع جناحها بر سر این است که کدامیک نقش مسلطرا در آنها داشته باشند.

تشدید فشار به مطبوعات قانونی

جمهوری اسلامی مصمم است همه نشریاتی را که اندکی پا را فراتر از محدوده های تعیین شده دولتی قرار میدهند، ولواین‌که‌این نشریات وابسته به جناح های سهیم در حاکمیت باشند، یا از یک جناح حمایت کنند، برچیند. در چند ماه گذشته شاهد بسته شدن روزنامه ها و مجلاتی بودیم که برغم دفاع شان از حکومت اسلامی، برخی از سیاستهای حکومت را مورد انتقاد قرار میدادند و در چارچوب قوانین‌رژیم جمهوری اسلامی خواهان آزادی عمل بیشتری برای مطبوعات بودند. جناحهایی سهیم در حاکمیت برغم اختلاف نظری که بر سر مسائل مختلف، از جمله حد و حدود باصطلاح آزادی مطبوعات قانونی و دولتی دارند، همه بر سر این نکته توافق دارند که باید این آزادی در آن حد محدود باشد که کمترین لطمه ای به رژیم و مقدسات آن وارد نیاورد. دیدیم که بر سر بستن روزنامه توس و جامعه همه از خاتمی گرفته تا وزیر ارشاد اسلامی و به طریق اولی سران جناح مسلط متفق الرای بودند. برغم این که روزنامه توسط کسانی منتشرمیشد که خود در استقرار این رژیم سهیم بوده و دفاع از جمهوری اسلامی را هم در صدر فعالیت های مطبوعاتی خود قرار داده بودند، معهذا از آنجائی که حرف هایشان را صریح تر میگفتندو برخی سیاستهای رژیم را مورد انتقاد قرار میدادند، متهم به سواستفاده از آزادی شدند، وروزنامه شان تعطیل شد. چندین نشریه دیگر هم به همین طریق برچیده شدند. اما مساله تنها بدین شکل نبوده که به شیوه ای ظاهرا قانونی، انتشار برخی نشریات را ممنوع‌کنند. تهدید و اعمال فشار مستقیم و غیر مستقیم هم در تعطیل برخی نشریات نقش داشته و رژیم از این شیوه نیز استفاده کرده‌است. تازه ترین نمونه از این تهدیدات و اعمال فشار را میتوان در تهدید به قتل سردبیر نشریه ایران فردا ارگان "نهضت آزادی" و پرتاب بمب به درون دفتر روزنامه خرداد دید. ماهیت این نشریات و مواضع ناشرین‌آنها برکسی پوشیده نیست. نهضت آزادی از آغاز استقرار جمهوری‌اسلامی وظیه ای جز دفاع از جمهوری اسلامی نداشته و خود در استقرار این نظام سهیم بوده است. امروز هم وظیفه نشریه این سازمان، چیزی نبوده‌ونیست جز دفاع‌از جمهوری اسلامی و توهم پراکنی پیرامون "آزادی خواهی" آقای خاتمی. معهذا دستگاه‌حکومتی جمهوری‌اسلامی همین نشریه راهم نمیتواند تحمل کند. مدیراین نشریه را به دادگاه کشاندندو محکوم کردند و حالا هم سردبیر آنرا زیر فشار قرار داده و تهدید به قتل میکنند، تا بدینطریق انتشار آنرا متوقف سازند.
ماهیت نشریه خرداد و مواضع آن هم‌برهمگان آشکار است . عبدالله نوری از همان آغاز از سران و کارگزاران حکومت اسلامی بوده که‌در

صفحه ۱۵

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

پیام تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان(اقلیت)

در همبستگی با
آکسیون اعتراضی علیه سرکوب و کشتار در ایران

درود بر شما شرکت کنندگان در حرکت اعتراضی در استکهلم، که علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، و باخواست اعزام یک هیات بین‌المللی به ایران برای رسیدگی به قتل‌های سیاسی، تعطیل کلیهٔ مراکز جاسوسی رژیم در خارج از کشور، نا امن اعلام نمودن ایران، آزادی زندانیان سیاسی و محاکمهٔ سران جمهوری اسلامی در یک دادگاه بین‌المللی دست به تحصن زده‌اید.

رفقا و دوستان گرامی!

رژیم جمهوری اسلامی که در یک بحران همه جانبه بسر می‌برد، بیش از هر زمان دیگر نزد عموم توده‌های مردم ایران بی‌اعتبار شده و مورد نفرت کارگران، زحمتکشان و روشنفکران قرار دارد. رژیم در هراس از گسترش جنبش اعتراضی مردم، به تشدید سرکوب و خفقان و نابودی فیزیکی مخالفان روی آورده است. قتل‌های وحشیانهٔ اخیر که با هدف مرعوب ساختن توده‌های مردم صورت گرفته است، بار دیگر براین واقعیت صحه گذارد که حاکمیت جمهوری اسلامی با سرکوب، زندان، شکنجه و ترور عجین شده است.

در این میان گسترش اعتراضات در داخل کشور و مبارزات و فعالیت‌های افشاگرانه در خارج از کشور، سران حکومت را ناگریز ساخت به نقش ماموران وزارت اطلاعات در سازماندهی و اجرای ترورها اذعان کنند. هرچند سران حکومت تلاش می‌کند برنقش رهبری و مسئولین ردهٔ اول رژیم در سازماندهی ترورها سرپوش بگذارد، اما همه میدانید که فرمان قتل‌ها، توسط بالاترین مراجع مذهبی و سیاسی رژیم صادر می‌شود. باید با تداوم اعتراضات و افشاگری‌ها، چهرهٔ کثیف سران حکومت را در سازماندهی ترور و سرکوب را برملا کرد و حکومت اسلامی را بیش از پیش رسوا نمود، این امر جمهوری اسلامی را یک گام دیگر به سرنگونی نزدیک می‌کند. ما ضمن حمایت از حرکت اعتراضی شما و مطالباتتان، همهٔ نیروهای چپ و انقلابی را به تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، و برقراری حکومت شورایی، حکومت واقعی کارگران و زحمتکشان فرا می‌خوانیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم
تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان(اقلیت)
۱۰ ژانویه ۱۹۹۹

اخباری از ایران

اعتراض دانشجویان دوره شبانه دانشگاه تهران

جمعی از دانشجویان دوره شبانه دانشگاه تهران در اعتراض به افزایش شهریه ها روز ۱۱ بهمن در مقابل ساختمان مرکزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی تجمع نمودند. آنها خواستارکاهش شهریه ها و لغو تصمیم دولت شدند . لازم به ذکر است که مقامات دولتی‌اخیرا" شهریه دوره شبانه را یکباره به دوبرابر افزایش داده اند و هردانشجوئی باید به جای ۴۸۰ هزار ریال ترم گذشته ، مبلغ ۹۰۰ هزار ریال بپردازند

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

سرکردگان حکومت ترور و وحشت، در فرانسه چه می‌کنند؟

کمال خرازی وزیر خارجه جمهوری اسلامی پس از آنکه باهدف جلب حمایت انحصارات امپریالیستی و دولتهای مختلف، در غمجمع اقتصادی جهانع شرکت کرد، به پاریس سفر می‌کند تا دربارهٔ همکاری گسترده‌تر میان دولتهای فرانسه و جمهوری اسلامی با مقامات این کشور گفتگو کند و زمینه سفر خاتمی را به فرانسه مهیا نماید. خرازی در این سفر با ژاک شیراک رئیس جمهوری فرانسه، و وزیر خارجهٔ این کشور دیدار خواهد داشت. سفر خرازی به فرانسه در شرایطی صورت می‌گیرد که جمهوری اسلامی ناتوان از پاسخگویی به مطالبات کارگران، زحمتکشان و روشنفکران برشدت سرکوب و دامنهٔ دستگیری‌ها، شکنجه و ترور مخالفان افزوده است. قتل وحشیانهٔ مخالفان سیاسی و نویسندگان، موج وسیعی از اعتراض و انزجار عمومی را در ایران برانگیخته است به حدی که رژیم ناگزیر شد به دخالت مستقیم مأموران وزارت اطلاعات در انجام ترور اعتراف نماید. اما جناح‌های مختلف حکومت علیرغم فشارهای بین‌المللی و اعتراضات گسترده در داخل و خارج ایران، تلاش می‌کنند از افشای ابعاد واقعی سازماندهی ترور و شکنجه، که نقش مستقیم رهبر و مسئولان ردهٔ اول حکومت در صدور فرمان قتل ها را برملا خواهد ساخت، جلوگیری کنند. علیرغم درخواست‌های مکرر ارگان‌ها و نهادهای مدافع حقوق بشر و دمکراتیک و همچنین پارلمان اروپا، سران جمهوری اسلامی با اعزام یک هیات تحقیق برای بررسی قتل‌ها، شدیداً مخالفت می‌کند. در چنین شرایطی دولت فرانسه وزیر خارجه حکومت اسلامی را به فرانسه دعوت می‌کند، روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با جمهوری اسلامی را گسترش می‌دهد و در این راه، رئیس جمهور این رژیم را نیز در فرانسه پذیرا خواهد شد.

پذیرایی از وزیر خارجه جمهوری اسلامی، گسترش مناسبات با حکومت اسلامی و دعوت از خاتمی برای سفر به فرانسه، در شرایطی که عموم توده‌های مردم از ۲۰ سال حکومت توام با سرکوب و کشتار، و ترور و جنایت رژیم حاکم بر ایران به تنگ آمده‌اند، و در شرایطی که رژیم تنها راه ادامهٔ حیاتش را در آدم ربایی، ترور و سلاخی مخالفان می‌بیند، جز دهن کجی به خواست مردم ایران، بی‌اعتنایی به موازین حقوق بشر و زیرپا گذاشتن حقوق میلیونها انسان، به خاطر دست‌یابی به منافع سیاسی و اقتصادی، معنایی ندارد.

اگر دولت‌های اروپایی و از جمله دولت فرانسه، ذره‌ای به موازین حقوق بشر پای‌بند باشند، باید به جای دعوت سران حکومت اسلامی به مذاکره و برقراری روابط نزدیکتر، آنان را به خاطر نقض حقوق بشر، سرکوب وحشیانهٔ مخالفان و سازماندهی ترور و جنایت محکوم نمایند و مناسبات اقتصادی و سیاسی‌شان را با این رژیم قطع کنند.

کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی، هرگونه حمایت از جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنند و مبارزه‌شان را برای سرنگونی این رژیم ارتجاعی که ننگ بشریت است، تشدید می‌کنند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
۹۹/۱/۳۱

www.iran-archive.com

تشدید فشار به مطبوعات قانونی

مناصب مختلف در جهت حفظ و استحکام رژیم جمهوری اسلامی تلاش نموده و دوبار نیز پست حساس وزارت کشور را عهده دار بوده است. روشن است، نشریه ای را که او منتشر میکند در چارچوب خط و خطوط دفاع‌ازحکومت‌اسلامی باشد. اما این دفاع، از سر خیر خواهی ودقیقا بخاطر حفظ نظام، توام با انتقاداتی از یک‌جناح حکومت است، و در بیان مطالب حرف خود را صریح تر میزند. معهذا همین جمهوری اسلامی که آقای عبدالله نوری و روزنامه خرداد مدافع آن هستند، نمیتواند، او و نشریه اش را تحمل کند. از آنجائی که او را نمیتوانند به سادگی همانند دهها مدیر و صاحب امتیاز نشریه‌دیگر به دادگاه بکشانند و پروانه انتشار روزنامه اش را لغو کنند، شیوه دیگری برگزیده اند. گروههای ارعاب و ترور وابسته به دستگاه امنیتی رژیم، با تهدید تلفنی مسئولین و دست اندرکاران نشریه، و شیوه های وحشت آفرینی نظیر پرتاب بمب به درون دفتر روزنامه ، میکوشند، که آنها را "داوطلبانه" به تعطیل روزنامه وا دارند. حالا اگر نمیتوانند به هر علتی عجالتا عبدالله نوری را به دادگاه بکشند و پروانه انتشار روزنامه او را لغو کنند، در مورد نشریاتی امثال آدینه که این مشکل را ندارند. هیئت منصفه حکم به تخلف و محکومیت میدهد و یکی از شعب دادگاههای عمومی هم مدیر مسئول آن را به اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی و چاپ و انتشارمقالاتی خلاف عفت عمومی به جزای نقدی محکوم‌میکند و علاوه بر این پروانه انتشار آدینه را هم لغو میکند . توام با تعطیل روزافزون روزنامه ها و مجلاتی که حتی برخی جواز انتشار آنها در دوره رفسنجانی صادر شد، طرفداران جامعه مدنی اسلامی در تلاش اند مشکل را ریشه ای تر حل کنند و در دادن پروانه انتشار نشریات "دقت" بیشتری به عمل آورندتا بعدا مجبوربه بستن‌آنها نشوند. درجهت پیشبرداین‌سیاست، در وزارت ارشاد تغییر و تحولاتی در جریان است. همین چند روز پیش بودکه‌خبر استعفای معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد علنی شد وقرار است جانشین وی سیاست سخت گیرانه تری در اعطای پروانه انتشار نشریات اتخاذ کند.

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

یادداشتهای سیاسی

امر فرمودند که تصویب شود

مجلس‌ارتجاع‌اسلامی‌درجریان بررسی وتصویب لایحه بودجه سال آینده عرصه کشمکش حاد میان دو جناح مرتجع هیئت حاکمه بود. دولت که باورشکستگی مالی روبروست، کوشیده‌است در بودجه سال آینده با افزایش سرسام آور بهای کالاهائی که در انحصار دولت اند، یعنی افزایش مالیاتهای غیر مستقیم و دهها وصدها راه دیگر برای سرکیسه کردن توده‌های‌مردم، تمام بار ورشکستگی خود را به دوش‌کارگرا ن و زحمتکشان بیاندازد.

با ارائه لایحه بودجه به مجلس، جناح رقیب خاتمی‌که‌اکثریت کرسی‌های مجلس را در اختیار دارد، فرصت دیگری به دست آورده بود تا یک بار دیگر در برابر خاتمی قدرت نمائی کندودر همان حال مانور سیاسی‌دیگری‌برای جلب‌حمایت مردم بدهد و چنین وانمود کند که‌این جناح با اقدامات دولت برای تشدید فشار به توده مردم مخالف است. لذا به محض این که‌لایحه بودجه به مجلس داده شد، با هیاهوی بسیار طرحی برای تصویب ارائه داد که افزایش‌قیمتهای‌برخی محصولات به نحوی که در لایحه بودجه آمده بود، ممنوع شود. ازبالادستوررسیدکه‌عجالتا کوتاه بیائیدومانع‌کاردولت نشوید. این ماجرا گذشت تا وقتی که مساله تصمیم گیری درباره کلیات لایحه بودجه پیش آمد. جناح اکثریت مجلس که یکروز قبل از آن جلسه ای تشکیل داده و تصمیم گرفته بود به کلیات‌لایحه بودجه رای ندهد، نگرانی جناح اقلیت طرفدار خاتمی‌را برانگیخته بود. روز رای گیری هر دو جناح برای درگیری و مقابله با یکدیگر آماده بودند. پیش از آن که رای گیری آغاز شود، اختلاف‌بر سرچگونگی‌رای‌گیری به اوج خود رسید. جناح اکثریت خواستار رای گیری‌مخفی باورقه بود. اصرار این جناح بر سر این مساله از آنجا ناشی میشد که می خواستند حتی برخلاف نظر رهبر خود رای دهند. جناح اقلیت هم که دست جناح دیگر را خوانده بود، و میدانست که اگر رای گیری مخفی باشد، کلیات لایحه بودجه رای نخواهد آورد، از رای گیری علنی با " قیام و قعود" دفاع میکرد. نایب رئیس مجلس که‌عهده دار ریاست این جلسه بود بر سر این مساله نظر خواهی کرد و سرانجام رای گیری مخفی تصویب شد. جناح اقلیت مجلس برای خنثی کردن‌اقدامات‌جناح‌رقیب به شیوه ابستراکسیون متوسل شد. نمایندگان وابسته به این جناح، دستجمعی جلسه را ترک کردند و آن را از اکثریت انداختند. در این هنگام که جلسه به شدت متشنج شده بود، نایب رئیس مجلس، دستور تنفس جلسه را اعلام نمود. پس از دو ساعت که جلسه مجلس دوباره تشکیل گردید، به مدت ده دقیقه غیر علنی اعلام شد. درآنجا توضیح داده شد که هیئت رئیسه مجلس " با دفتر رهبر معظم انقلاب تماس گرفت و ایشان از نمایندگان خواستند به لایحه بودجه رای دهند. " امر آقا اجرا شد و کلیات‌لایحه بودجه با قیام و قعود و با اکثریت بالائی به تصویب رسید. این رویداد نشان داد که وضعیت رژیم تا بدان حد وخیم است‌وشکاف درونی دستگاه حاکمه آنقدر عمیق شده که مرتجعین دیگر نمیتوانندحتی‌ظاهرقضیه را حفظ کنند و ناگزیرند خود ماهیت ارتجاعی و فرمایشی نهادها و ارگانهای‌خودرا برملا کنند. رهبرامرمی فرمایند که نمایندگان مجلس باید به لایحه رای دهند و آنها هم با طیب خاطر فرمان ولی نعمت خود را اجرا میکنند. در این دوره و زمانه حتی در عقب مانده ترین کشورهائی که دیکتاتوری های

صفحه ۱۴

www.iran-archive.com

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

اطریش
I . S . V . W
Postfach 122
Postament 1061 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

هلند
P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا بهمراه کد مورد نظربه یکی از آدرسهای سازمان ارسال نمائید.
I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس
سازمان فدائیان (اقلیت)
۴۹ -۶۹ -۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:
http://www.fedaian-minority.org

پست الکترونیک E-Mail:
info@fedaian-minority.org

KAR
Organization Of Fedaian (Minority)
No. 322 feb 1999

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ـ برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق